



اصرار بر آتش بس
تلاش‌های بلیکن برای هشتمین بار



ظهور و سقوط اقتدارگرایان
زوال مردان قدرت طلب



یک گل تا پیروزی
بررسی فیلم هدف بعدی



حمایت تمام‌قد

جهانگیری و مرعشی از پزشک‌های حمایت کردند



گزارش یک

هشدار ویروسی

راستی‌آزمایی وعده‌های
کاندیداهای انتخابات ریاست‌جمهوری

سعید خوش‌بین
خبرنگار سازندگی

از مقطعی که محمود احمدی‌نژاد سکان اجرایی کشور را در دست گرفت، اقتصاد ایران دیگر روی خوش ندید. احمدی‌نژاد آن روزها و پیروسی را وارد نظام حکمرانی ایران کرد که آثارش هنوز باقی است و همچنان اقتصاد را آزار می‌دهد. اقتصاددانان معتقدند، سال ۱۳۸۴ در تاریخ ایران یک نقطه عطف است، به این معنی که پس از آن مقطع، اقتصاد ایران مسیری متفاوت از گذشته را پیمود و هرگز به مسیر قبلی بازنگشت. ماریو بارگاس یوسا، نویسنده، سیاستمدار و روزنامه‌نگار اهل پرو در مصاحبه اخیرش به این نکته مهم اشاره کرد که بدترین و خطرناک‌ترین دشمن دموکراسی لیبرال، دیگر کمونیسم نیست، پوپولیسم است. طبق گفته او در حال حاضر، هیچ کشوری دوست ندارد خودش را در وضعیت کره شمالی، کوبا یا ونزوئلا ببیند و مارکسیسم در حاشیه‌ای از زندگی سیاسی قرار دارد؛ اما این در مورد پوپولیسم صادق نیست. یوسا معتقد است که پوپولیسم مدرن می‌تواند دموکراسی را از درون خرد کند و حتی پایه‌های لیبرال‌دموکراسی را نیز از بین ببرد. در همین راستا امیلیو اکمپو که اقتصاددانی سرشناس است در مقاله خود با نام «پوپولیسم، تهدیدی برای لیبرال‌دموکراسی» به ارائه چارچوبی مفهومی درباره پوپولیسم مدرن می‌پردازد و سعی دارد از طریق تجزیه و تحلیل عناصر آن، ریشه این نوع طرز فکر و روند تغییرات آن را تشریح کند. او در این مقاله بیان می‌کند که پوپولیسم از سه عنصر راه‌حل پوپولیستی، سیاستمدار خودشیفته و کاریزما تیک و اکثریتی که سیاستمدار پوپولیست را به عنوان ناجی می‌بینند، تشکیل می‌شود. اکمپو معتقد است که سیاستمداران پوپولیست در هر جناحی (چپ و راست) که باشند، باعث از بین رفتن آزادی خواهند شد. رژیم‌های پوپولیست جناح چپ با محدود کردن آزادی‌های اقتصادی و رژیم‌های پوپولیست، جناح راست با محدود کردن آزادی‌های مدنی شروع می‌کنند که در نهایت هر دو حکم به نابودی اقتصاد می‌دهند. اما سوال این است که این اتفاق در ایران چگونه رخ می‌دهد؟

شروع بحران

طی سال‌های اخیر، جامعه جهانی مکرراً شاهد بروز و ظهور کاندیداهایی در انتخابات ریاست‌جمهوری کشورهای مختلف بوده است که استراتژی ایجاد موج از طریق برجسته کردن مقوله نابرابری برای جلب توده‌ها و پیروزی در انتخابات را در پیش گرفته‌اند. طیف گسترده این کاندیداها از جرمی کوربین، رهبر حزب کارگر انگلیس تا برنی سندرز، پیرمرد سوسیالیست کنگره آمریکا و دونالد ترامپ، میلیاردر آمریکایی که اکنون دوباره سودای ریاست‌جمهوری ایالات متحده را دارد. در این طیف وسیع، یک گروه از سیاستمداران با تکیه بر سوابق متعددی که در مبارزه با نابرابری داشته‌اند و در راستای مشی سیاسی همیشگی خود، شکاف درآمدی فقیر و غنی را نشانه می‌گیرند اما گروه دوم بدون داشتن سابقه‌ای موثر در مبارزه با این پدیده تنها برای جلب آرا و رسیدن به قدرت از شعارهای عوام‌پسندانه علیه نابرابری بهره می‌گیرند.

ادامه در صفحه ۶

دوم خرداد دوم؟

سازندگی به بررسی تحلیلی شباهت‌ها، رخدادها و شرایط سیاسی، اجتماعی و اقتصادی پیش از دوم خرداد ۱۳۷۶ و قبل از هشتم تیر ۱۴۰۳ پرداخته است
آیا دوم خرداد دیگری در راه است؟



سیدمحمد خاتمی
کاندیدای انقلابی چپ، پاکدست و عدالت‌خواه



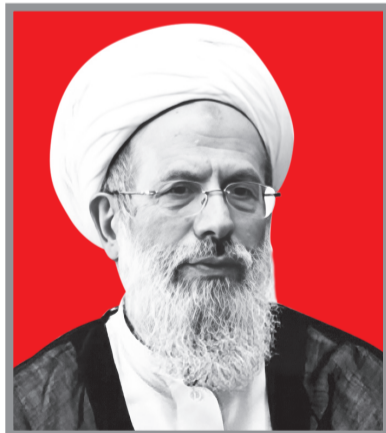
مسعود پز شکیان
کاندیدای اصلاح‌طلب چپ، پاکدست و حقل‌طلب



علی‌اکبر ناطق‌نوری
رئیس مجلسی که در انتخابات مجلس پنجم، نفر اول تهران نشد



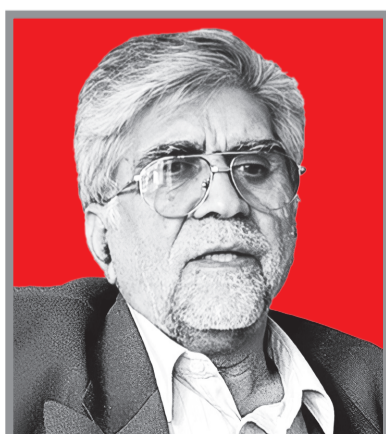
محمدباقر قالیباف
رئیس مجلسی که در انتخابات مجلس دوازدهم، نفر اول تهران نشد



محمد محمدی‌رشهری
بریده از راست سنتی و تشکیل جمعیت دفاع از ارزش‌ها



سعید جلیلی
بریده از اصولگرایان سنتی و مورد حمایت جبهه پایداری



سیدرضا زوراهای
کاندیدایی که حامی‌ای در حاکمیت نداشت



سیدامیرحسین قاضی‌زاده‌هاشمی
کاندیدایی که با بی‌اعتنایی دولتی‌ها روبه‌رو شد



فارغ از اینکه نتیجه انتخابات ریاست‌جمهوری چه خواهد شد اما مشابهت‌های شرایط امروز با شرایط پیش از خرداد



۱۳۷۶ بسیار است. آیا یک دوم خردادی دیگر در راه است، یا اینکه این شباهت‌ها تصادفی است؟ آنچه در چند روز گذشته دیده‌ایم، تکان خوردن جامعه بی‌رمقی است که تا پیش از این و به‌خصوص در دو انتخابات قبل اساساً میلی به رای دادن نداشت اما اکنون در تردید است که رای بدهد یا ندهد؟ ضمن آنکه عموم نظرسنجی‌ها نشان‌دهنده این است که مشارکت مردم در انتخابات با حدود ۱۵ درصد افزایش روبه‌رو بوده است. اما این مشابهت‌های خرداد ۱۳۷۶ و تیر ۱۴۰۳ چیست که نشان می‌دهد، چپ در حال برخاستن است؟ شاید لازم باشد کمی به عقب برگردیم. به سال ۷۶ و روزهایی که چپ در تقای آن بود با کاندیدایی که امیدی به او نبود، اندوخته‌ای را حفظ کند برای روزها و سال‌های بعد اما با یک سونامی رای روبه‌رو شد که نه فقط چپ که محافظه‌کاران آن دوران نیز تصورشان را نمی‌کردند. پس به عقب برگردیم.

روزنه‌گشایی کارگزاران سازندگی

رقابت‌های انتخاباتی مجلس پنجم در حالی آغاز شد که مجمع روحانیون مبارز، قدرتمندترین حزب سیاسی چپ اعلام کرد به دلیل رد صلاحیت‌ها در انتخابات شرکت نمی‌کند اما با تشکیل حزب کارگزاران سازندگی، این حزب اعلام کرد که در انتخابات شرکت می‌کند و پس از آن نیز سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی و دفتر تحکیم وحدت نیز اعلام حمایت کردند. بدین ترتیب در آن انتخابات، چهار گروه و جریان سیاسی به رقابت با یکدیگر پرداختند که گروه راست مدرن در قالب حزب کارگزاران و با شعار «عزت اسلامی، تداوم سازندگی، آبادانی ایران» وارد عرصه سیاسی شد. در کنار آنها جناح چپ با ائتلافی با نیروهای خط امام و متشکل از سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی برای شرکت در انتخابات نامزد معرفی کردند. جناح راست سنتی و در رأس آن جامعه روحانیت که با شعار «پیروی از خط امام، اطاعت از رهبری، حمایت از هاشمی» وارد عرصه رقابت انتخاباتی شد. در همان ایام از دل راست سنتی، یک جناح چپ جدید هم به نام «جمعیت دفاع از ارزش‌های انقلاب اسلامی» با محوریت محمد ری‌شهری تأسیس شد که آنها نیز در انتخابات شرکت کردند. در واقع مشارکت کارگزاران در انتخابات مجلس پنجم به مثابه بیانیه روزنه‌گشایی بود که در کمال ناامیدی رخ داد اما از دل آن حدود ۸۰ نفر توانستند به مجلس راه پیدا کنند و نام خود را مستقلین بگذارند. چنانکه در مجلس دوازدهم نیز جبهه اصلاحات اعلام کرد در انتخابات شرکت نمی‌کند اما عده‌ای از فعالان سیاسی، اجتماعی و فرهنگی با انتشار بیانیه‌ای اعلام کردند به قصد روزنه‌گشایی وارد انتخابات می‌شوند. در کنار آنها سه حزب کارگزاران سازندگی ایران، اعتماد ملی و ندای ایرانیان نیز اعلام کردند در این انتخابات شرکت می‌کنند.

ادامه در صفحه ۸

کانال سازندگی

حمایت از پورمحمدی

در جریان برگزاری چهارمین گردهمایی کشوری رؤسای استانی شورای وحدت اصولگرایان، موضوع تقویت و توسعه این تشکل سیاسی اصولگرا و گزینش کاندیدای مورد حمایتش در انتخابات ریاست جمهوری بررسی شد. همچنین در این نشست تاکید شد که شورای وحدت از واحد آموزشی و پژوهشی توانمند با هدف تدوین و ارائه جزوه‌های تحلیلی برخوردار باشد و برنامه سالانه استانی و ملی خود را هم تنظیم کند. همچنین پورمحمدی در سخنانی گفت: «دولت باید امنیت فعالیت هنری را برای اهالی هنر به طور روشن و شفافیت تضمین کند و اجازه ندهد که روابط هنری در جامعه با افراد غیردگر و غیرمسئول مخدوش شود». به اعتقاد او «نه تنها در حوزه هنر بلکه در هر حوزه‌ای دستگاه‌های نظارتی، حراستی و حفاظتی باید برگردند و وظایف خاص خود را انجام دهند. آنها حق دخالت، امر و نهی و کم و زیاد کردن در حوزه حرفه‌ای و تخصصی را ندارند».

رابطه خوب با نخبگان

عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام با تاکید بر اینکه باید افکار عمومی قانع شوند که چرا افرادی با سوابق طولانی و مهم رذصلاحت شده‌اند به جماران گفت: جریان اصولگرا و سنت‌گرا یک پایگاه سنتی مشارکت و رای دارند. آنچه در گذشته به شدت آسیب دیده بود، محروم کردن جریانات تحول‌خواه، اصلاح‌طلب، مستقل و توده مردم و نخبگان از عرصه بوده که این بار من فکر می‌کنم با حضور آقای دکتر پزشکیان این امکان فراهم است که انشالله شرکت داشته باشند، ایشان را کمک کنند و ایشان هم با تکیه بر تجربه گذشته خودشان در دولت آقای خاتمی و با تکیه بر جامعه بزرگ نخبگی کشور و با ارتباط و پیوند خوبی که با اقوام و سلاطین مختلف دارند، انشالله ظرفیت و امیدی را ایجاد کنند. به عنوان یک کنشگر سیاسی و چهل‌وچند سال در عرصه سیاسی کشور، این سلال جدی و شبیه برای من هست. شبیه ناشی از عملکردی است که نظام انتخاباتی ما با آن مواجه است.

زاگانی و قاضی‌زاده انصراف خواهند داد

محمد مهاجری درباره میزان مطلوبیت پزشکیان برای جامعه گفت: من معتقدم که پزشکیان از جلیلی و زاگانی بهتر است. هیچ دلیلی وجود ندارد که پزشکیان از قالیباف بدتر باشد؛ به‌خصوص اینکه قالیباف همیشه حاشیه داشته اما پزشکیان بی‌حاشیه‌ترین است؛ بنابراین یک عقبه اصلاح‌طلبی می‌تواند به او کمک کند. قالیباف یک چهره نظامی است و دیدگاه‌های منفی درباره او وجود دارد. جریان اصلاح‌طلب یک موقعیت دارد و اینکه چقدر بتواند از آن استفاده کند، مشخص نیست. اگر یک دو قطبی جدی درست شود، آرا قومیت‌ها جذب می‌شود اما من در آن تردید دارم. وی در رابطه با ایجاد دو قطبی در انتخابات بیان کرد: من فکر می‌کنم که زاگانی و قاضی‌زاده‌ها شمی نخواهند ماند. جلیلی، قالیباف و پزشکیان سه نفر اصلی انتخابات هستند. در فضای این سه نفر ممکن است هر کدام تصور کنند که خودشان به مرحله دوم می‌روند.

چرا بازداشت‌ها را برای بعد از ۸ تیر نگذاشتند؟

حمید رسایی، نماینده مجلس می‌گوید که در این روزها با شروع تبلیغات انتخاباتی چند نفر از فعالان مجازی به یک‌باره بازداشت شدند و چند نفر نیز احضار شدند و وجه اشتراک همه آنها این است که منتقد یک نفر بودند. حال کاری نداریم که آن افراد به چه دلیل بازداشت شدند و گفته می‌شود که آنها از گذشته پرونده داشتند اما اگر پرونده داشتند چرا قبلاً بازداشت نشدند؟ چرا این امر را برای بعد از ۸ تیر نگذاشتند؟ بعضی از همین افراد که بازداشت شده‌اند در حق بنده هم اجحاف کرده‌اند اما سوال این است که اگر این افراد محکومیت قضایی داشتند، چرا در گذشته بازداشت نشدند. چرا نمی‌گذارد که بعد از برگزاری انتخابات بازداشت انجام شود. همچنین درخواست دارم، انتخاب فرد مذکور در دستور کار روز سه‌شنبه مجلس قرار دهید.



چند بار بررسی

هادی طحان‌نظیف: در جلسات بررسی صلاحیت نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری اخیر برخی از پرونده‌ها بیش از یک بار بررسی شدند. برخی پرونده‌ها روشن هستند و می‌شود به سرعت درباره آنها تصمیم‌گیری کرد. در مقابل اما برخی پرونده‌ها برای بررسی به زمان بیشتری نیاز دارند. به طوری که در جلسات بررسی صلاحیت نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری اخیر برخی از پرونده‌ها بیش از یک بار بررسی شدند.



چاره‌ای جز اجماع نیست

محسن رضایی، دبیر شورای عالی هماهنگی اقتصادی سران قوا: در نشست صمیمانه مجمع اجماع نیروهای انقلاب، آخرین وضعیت و سازوکار اجماع نیروهای انقلاب بررسی شد و نمایندگان گروه‌ها و احزاب جبهه انقلاب، نظراتشان را اعلام کردند. نیروهای انقلاب چاره‌ای جز اجماع بر نامزد مقبول ندارند و مشارکت همه گروه‌ها در «مانا» تا زمان اجماع و پس از آن ادامه می‌یابد.



امید به مشارکت

مجید انصاری، عضو مجمع تشخیص: جریان اصولگرایک پایگاه سنتی مشارکت و رای دارند. آنچه در گذشته به شدت آسیب دیده بود، محروم کردن جریانات تحول‌خواه، اصلاح‌طلب، مستقل و توده مردم و نخبگان از عرصه بوده که این بار من فکر می‌کنم با حضور دکتر پزشکیان این امکان فراهم هست که شرکت داشته باشند، ایشان را کمک کنند و ایشان هم با تکیه بر تجربه گذشته خودشان در دولت آقای خاتمی ظرفیت و امیدی را ایجاد کنند.

حمایت تمام‌قد

اسحاق جهانگیری، سیدحسین مرعشی و جمعی از اصلاح‌طلبان از پزشک‌های حمایت کردند

پاکدست تنها

مسعود پزشکیان چهره شناخته شده‌ای است که به پاکدستی شهره عام و خاص بوده. بنابراین، این کاندیدا در شهر حوزه انتخابیه‌اش (مجلس) در تبریز از محبوبیت بالایی برخوردار است و حتی براساس برخی، او حتی رای مردم خوزستان و کرمان را نیز دارد. در این میان حزب اعتدال و توسعه نیز حمایت تمام‌قد خود را از پزشک‌های اعلام کردند. در بخش‌هایی از متن این نامه آمده بر این اساس طبق تصمیم



نهایی شورای مرکزی حزب اعتدال و توسعه ضمن احترام به تمامی کاندیداهای تایید صلاحیت شده، حمایت خود را از جناب آقای دکتر مسعود پزشکیان که به سبب دیدگاه‌ها و مشی اعتدالی، سلامت نفس، ساده‌زیستی، مردمی بودن و اعتقاد به بهره‌گیری از سلاطین مختلف در اداره کشور از مقبولیت بیشتری در میان مردم برخوردار است، اعلام می‌دارد. این حزب همچنین از همه بانوان، جوانان، فرهیختگان و کسانی که دغدغه آینده و سربلندی ایران را دارند، دعوت کرد با مشارکت فعال در انتخابات از این شخصیت دانشمند و برجسته حمایت کنند.

این حالی است که مجمع نیروهای خط امام در بیانیه‌ای از مسعود پزشکیان برای چهاردهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری حمایت کرد و به این موضوع اشاره داشت که «اعلام اسامی نامزدهای تایید صلاحیت شده در چهاردهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری، جامعه را در مرحله قضاوت و تصمیم قرار داده است. تصمیمی که پیوندی عمیق با آینده دارد».

توثیت معنادار برخی اصلاح‌طلبان هم قابل توجه بود. به طور مثال عباس عبدی می‌گوید که اگر گمان رسمی این بوده که پزشک‌های شانس‌ی ندارد و فقط مشارکت را اضافه می‌کند؛ پیشنهاد می‌کنم فوری او را از انتخاب خارج کنید تا خطای ۷۶ و ۹۲ تکرار نشود.

حافظ منافع

همچنین در پی اعلام نامزدهای نهایی انتخابات چهاردهمین دوره ریاست جمهوری و تایید صلاحیت مسعود پزشکیان توسط شورای نگهبان، محمدتقی فاضل‌میبیدی، عضو مجمع محققان و مدرسین حوزه علمیه قم در شبکه اجتماعی درخواست کرد که هرگونه اختلاف کنار گذاشته شود و در ایکس نوشت: «قهر با صندوق رای سودی ندارد. امیدوارم از این فرصت بتوان استفاده کرد. اگر غافل شوم، پشیمانی‌های بعدی قابل جبران نیست. مواظب کاسبان تحریم باشیم تا به قدرت بازنگردند. حفظ منافع ملی از اوجب واجبات است».

در ادامه حمایت‌ها از پزشک‌های که هر ساعت بر تعداد آن اضافه می‌شود، علی ربیعی، سخنگوی دولت دوازدهم هم با اعلام حمایت از کاندیداتوری مسعود پزشکیان، نوشت: «وقتی جامعه تشنه امید است حتی یک تایید صلاحیت متفاوت، چنین موج و حس خوبی را در میان مردم ایجاد می‌کند. با شناخت دیرینم از پزشک‌های، قاطعانه می‌گویم که او می‌تواند. ویژگی‌های آشکار او «صداقت، روراستی با مردم، اخلاق‌گرایی، اعتقاد به همه ایرانیان و... خواست وجدان جمعی جامعه ایران است. برنامه او بازگشت به مردم، بازگشت به همه

نخبگان شایسته و مخالفت با دروغ است. در کنار او می‌ایستیم». البته این را هم فراموش نکنیم که پزشک‌های در روزهای اول تایید صلاحیتش به دیدار محمدرضا عارف که خودش یکی از گمانه‌زنی‌ها برای کاندیداتوری بود، رفت و با حضور در بنیاد امید ایرانیان با محمدرضا عارف و اعضای هیات‌مدیره این بنیاد دیدار کرد. محمدرضا عارف در این دیدار ضمن برشمردن ویژگی‌های اخلاقی و مدیریتی مسعود پزشکیان و با اشاره به حساسیت ویژه انتخابات پیش‌رو حضور پزشک‌های را در عرصه انتخابات فرصت ارزشمند برای مردم و نظام پرشمرد و حمایت خود و بنیاد امید ایرانیان را از او اعلام کرد.

در ادامه حمایت‌های گسترده از پزشک‌های، مصطفی کواکبیان، دبیرکل حزب مردم‌سالاری نیز از حمایت تشکل سیاسی متبوعش از مسعود پزشکیان برای چهاردهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری خبر داد. مصطفی کواکبیان در حساب کاربری خود در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «اینجانب حمایت قاطع خود و اعضای حزب مردم‌سالاری در سراسر کشور را از جناب دکتر مسعود پزشکیان اعلام می‌دارم و با هماهنگی ایشان جزئیات اجرای پشتیبانی تبلیغاتی متعاقباً اعلام خواهد شد».

خشم رقیب

در این میان استقبال رسانه‌ها و چهره‌های سرشناس اصلاح‌طلب و میانه‌رو، گویا خشم رقیب را برانگیخته است. رسانه‌های وابسته به آنها شروع به تخریب تهراترین نامزد عرصه رقابت پرداختند. در این گزارش می‌توان از دو رسانه مثال زد. روزنامه جوان در این خصوص نوشت: «اگر کسی با اصلاح‌طلبان آشنا باشد، می‌داند که آنها نه فقط از این اقدام شورای نگهبان بسیار خوشنودند بلکه به خاطر رذصلاحت رئیس‌جمهور نهم و دهم، خشنودی مضاعفی دارند. شورای نگهبان در تایید نامزد اصلاح‌طلبان (پزشک‌های) نیز به نظر می‌رسد بدون نگاه سیاسی و مهندسی عمل کرده است. نه به موضع‌گیری‌های او در آشتوب ۱۴۰۱ توجه کرد، نه به ضعف‌های دوره وزارت او مانند برخی پرونده‌های مهم ملی و نیز پرونده تقلب در آزمون دستیاری». این روزنامه همچنین ادامه داد: «شرایط فعلی انتخابات در مواردی به انتخابات ۹۲ و چنددستیگی اصولگرایان شباهت زیادی دارد. اما با توجه به اینکه این بار گزینه اصلاح‌طلبان، نیابتی نیست و اصولگرایان با توجه به تجربه دولت رئیسی و اتفاقی که برای شهید رئیسی افتاد، این ظرفیت را در خود می‌بینند که بتوانند بخشی از رای رئیسی را از آن خود کنند و به پاس‌تور برسند».

همچنین روزنامه فرهیختگان نیز در مطلبی این‌طور تحلیل کرد: «برداشت جناح اصولگرای این بود که انتخابات ۱۴۰۳ به رقابت درون‌جناحی تبدیل خواهد شد. بر این اساس ترکیب حضور نامزدها با این نگاه چیده شده است. اگرچه برای قضاوت در مورد اینکه نامزدهای اصولگرا حاضر خواهند شد به نفع یکدیگر کنار روند، زود است اما در حال حاضر چند نامزد از جناح اصولگرای در کارزار انتخابات حضور دارند که هر کدام برای رفتن به پاس‌تور ادعا دارند و این احتمال کنار رفتن هر یک به نفع دیگری را کاهش می‌دهد».

این رسانه به چنددستیگی بین اصولگرایان هم اشاره کرد و نوشت: «پزشک‌های می‌تواند از چنددستیگی که درون اصولگرایان ایجاد شده به نفع خود استفاده کند و آرای اصلاح‌طلبان را به تهای از آن خود کند. شرایط فعلی انتخابات در مواردی به انتخابات ۹۲ و چنددستیگی اصولگرایان شباهت زیادی دارد. اما با توجه به اینکه این بار گزینه اصلاح‌طلبان، نیابتی نیست و اصولگرایان با توجه به تجربه دولت رئیسی و اتفاقی که برای شهید رئیسی افتاد، این ظرفیت را در خود می‌بینند که بتوانند بخشی از رای رئیسی را از آن خود کنند و به پاس‌تور برسند».

دیدگاه: یادداشت خارجی

بازگشت نئونازی‌ها؟

وزارت خارجه آمریکا ممنوعیت ارسال سلاح برای گردان «آزوف» ارتش اوکراین را لغو کرد

وزارت امور خارجه آمریکا اجازه تحویل تسلیحات این کشور به تیپ «آزوف» اوکراین را داده که اعضای آن آشکارا از دیدگاه‌های فراملی‌گرایی و نئونازی حمایت می‌کنند؛ این در حالی است که ارسال تسلیحات به این تیپ قبلاً به دلیل پیوندهای این واحد با ایدئولوژی نفرت‌پرانی محدود شده بود. وزارت خارجه آمریکا در بیانیه‌ای با اشاره به قانونی که کمک نظامی به واحدهای این چنینی را ممنوع می‌کند، مدعی شد: «پس از بررسی کامل، مشخص شد که تیپ ۱۲ نیروهای ویژه آزوف اوکراین در نقض حقوق بشر دخیل نیست. هیچ مدرکی دال بر انجام چنین تخلفاتی توسط آزوف پیدا نشده است». آزوف به‌عنوان یک گردان داوطلب در سال ۲۰۱۴ تأسیس شد و در جنگ با دونباس پس از آن شرکت کرد که این منطقه تصمیم گرفت از اوکراین جدا شود. نیروهای اصلی این گروه، اعضای سابق و فعال گروه‌های ملی‌گرا، نئونازی همچون اوپاش راست افراطی اوکراینی بودند. بنیانگذار اصلی این واحد، «آندری بیتسکی» عضو یک سازمان برترپنداران سفید در سال ۲۰۰۰ میلادی بود. او از آن زمان لفاظی‌های خود را کاهش داده و ارتباط با نئونازیسم را رد کرده است. با این وجود، بسیاری از مبارزان آزوف به زدن خالکوبی‌های نازی و یادگاری‌های مرتبط با رایش سوم ادامه می‌دهند. این تیپ همچنان از بنرهایی با نمادهای نازی استفاده می‌کند. این واحد در سال ۲۰۱۵ در گارد ملی اوکراین ادغام شد و در طول سال‌ها به اندازه قابل توجهی رشد کرده است. در سال ۲۰۱۸ کنگره آمریکا تحویل سلاح به آزوف را به دلیل ارتباط آن با ایدئولوژی نئونازی ممنوع کرد. «روکانا» دموکرات از کالیفرنیا در آن زمان گفته بود: «برتری جویی سفیدها و نئونازیسم غیر قابل قبول هستند و جایی در جهان ما ندارند».

این اقدام درحالی صورت می‌گیرد که روسیه درحال پیشروی در شرق است و دوشنبه یک روستا در منطقه دوتسک در تصرف کرد. به نظر می‌رسد که پس از تقویت نیروهای ارتش اوکراین در شمال، تحرکات ارتش روسیه متوقف شده است اما ولودیمیر زلنسکی، رئیس‌جمهور اوکراین روز یکشنبه گفت که منطقه دوتسک شرقی «به طور مداوم سخت‌ترین بخش جبهه» درحال حاضر است. در بیانیه تیپ آزوف آمده است: «دریافت تسلیحات و آموزش‌های غربی از آمریکا نه تنها توان رزمی آزوف را افزایش می‌دهد بلکه مهم‌تر از همه به حفظ جان و سلامت پرسنل تیپ کمک می‌کند و بدون شک این یک صفحه جدید در تاریخ این یگان نظامی اوکراینی به حساب می‌آید». رسانه‌های اوکراین مدعی هستند که این واحد پس از تهاجم روسیه در فوریه ۲۰۲۲ به نماد مقاومت اوکراین تبدیل شده و بسیاری از عناصر آن ماه‌ها برای دفاع از کارخانه فولاد آروفستال در شهر ماریوپول در مقابل ارتش روسیه مقاومت کردند. بسیاری از این عناصر آزوف همچنان اسیر جنگی روسیه هستند اما دفاع ثابت قدم از ماریوپول، تیپ را به سطح جدیدی از شهرت و احترام در جامعه اوکراین سوق داد.

از منظر کارشناسان مسائل نظامی این اقدام ایالات متحده به نوعی نشان از تقویت صفوف درگیری جدید علیه روسیه در شرق اوکراین دارد. با این حال، اندیشکده «موسسه مطالعات جنگ» گزارش داده، اوکراین تحت قوانین فعلی که آمریکا وضع کرده، تنها می‌تواند ۱۶ درصد از خاک روسیه را با سلاح‌های تامین شده توسط ایالات متحده هدف قرار دهد. به ادعای این اندیشکده، آمریکا مناطقی از روسیه را به عنوان خط قرمز برای حمله اعلام کرده و نیروهای اوکراینی نمی‌توانند به آنها حمله کنند. روسیه نیز تجهیزات حساس خود را به این مناطق منتقل کرده تا در صورت حمله اوکراین در امان باشند و حالا باید دید که تزیق تسلیحات غرب به کی‌یف چه سرنوشتی را در جنگ اوکراین رقم می‌زند!

منبع: ان، بی، سی نیوز



اعتراض طالبان

ذبیح‌الله مجاهد، سخنگوی طالبان بار دیگر به درخواست‌ها برای ایجاد دولت فراگیر در افغانستان واکنش نشان داد و گفت: «نظام کونی در افغانستان فراگیر است و موضوع فراگیری با فقدان آن مسأله‌ای داخلی است اما برخی از کشورها همچنان این موضوع را تکرار می‌کنند». اظهارنظر سخنگوی طالبان به دنبال برگزاری نشست گروه تماس با حضور نمایندگان ایران، پاکستان، چین و روسیه در تهران مطرح شد که طالبان در آن شرکت نکرد.



تعهد مسکو

سرگئی لاوروف، وزیر امور خارجه روسیه بر تعهد این کشور در تکمیل روند نهایی‌سازی توافق جامع همکاری با ایران تأکید کرده و گفت که پس از حل شدن برخی مسائل قانونی مرتبط با این توافق از سوی ایران، توافق آماده امضا خواهد بود. پیش از این ضمیر کابولوف، مدیر اداره دوم آسیایی وزارت خارجه روسیه گفته بود، «تصمیم امضا کردن توافق‌نامه جامع همکاری با ایران به قوت خود باقی است».



استعفاء نمی‌دهم

ماکرون طی مصاحبه‌ای با روزنامه فیگارو بعد از اعلام نتایج انتخابات پارلمان اروپا اعلام کرد: «نتایج انتخابات هرچه که باشد من به عنوان رئیس‌جمهور خواهم ماند و استعفاء نخواهم داد. انحلال پارلمان درحال حاضر تصمیم درستی است اما این حزب اجتماع ملی نیست که قانون اساسی را می‌نویسد بلکه وظیفه نهادها همگی مشخص هستند و طی روزهای آینده به افرادی که آماده همکاری هستند، مراجعه می‌کنم».

اصرار بر آتش‌بس برای هشتمین بار

بلینکن همزمان با تصویب قطعنامه ۲۷۳۵ در شورای امنیت، برای عملیاتی شدن آتش‌بس غزه وارد منطقه شد



فرشاد گلزاری
گروه بین‌الملل

پرونده غزه در شرایط فعلی، یک وضعیت بیم و امید را طی می‌کند و همین مسأله باعث شده تا در گام نخست تحرکات دیپلماتیک مجدداً از سر گرفته شود و در گام دوم شاهد افزایش ضریب فشارهای سیاسی به صورت پله‌کانی بر طرفین جنگ هستیم. این دو مرحله شاید از حیث شکلی در امتداد یکدیگر قرار بگیرند و حتی در نقاطی به شدت شبیه به یکدیگر تحلیل شوند اما واقعیت این است که از منظر ماهوی هر کدام از این دو گام اشراکات خاص خود را دارند و البته روندهای حاکم بر آن به انضمام مسائل پشت پرده آنها تا حد زیادی با یکدیگر تفاوت دارد.

در مورد مرحله (گام) نخست برای بار هشتم شاهد آن هستیم که آنتونی بلینکن، وزیر خارجه ایالات متحده (دوشنبه) تور منطقه‌ای خود را از قاهره شروع کرد. براساس اعلام قبلی وزارت خارجه آمریکا، رئیس دستگاه دیپلماسی این کشور در این سفر خود به مصر، اردن و قطر سفر خواهد کرد البته دیدار با مقامات اسرائیل در تل‌آویو هم در بطن آن قرار گرفته است. بلینکن که در رأس هیاتی ۴۰ نفره سفر خود را آغاز کرده، قرار است با مقامات قاهره، دوحه و امان در مورد مسأله آتش‌بس غزه همچنین تبادل اسرا میان حماس و اسرائیل ریزی کند و در این میان درخصوص این موضوع با مقامات کابینه جنگ اسرائیل هم گفت‌وگو خواهد داشت.

در این راستا سامی ابوزهری از مسئولان سیاسی حماس از واشنگتن خواست درخصوص حصول توافق آتش‌بس در غزه بر اسرائیل فشار وارد کند. او همچنین گفت: «حماس حاضر است به هر گونه ابتکار عملی که به پایان جنگ می‌انجامد، رویکردی مثبت نشان دهد». این واکنش حماس همچنین برنامه سفر بلینکن به خاورمیانه نشان می‌دهد که وی به دنبال آن است تا بتواند در دیدارهای خود بر طبع سه مرحله‌ای آتش‌بس جو بایدن تأکید کند چراکه تاکنون اسرائیل و حماس موافقت خود را با این طرح اعلام نکرده‌اند و همین موضوع موجب شده تا یک بیم و امید مشهود به وجود آید.

با تمام این تفاسیر، بلینکن دوشنبه پس از آنکه وارد قاهره شد به همراه تیم خود با عبدالفتاح السیسی، رئیس‌جمهور مصر دیدار کرد که البته در این جلسه عباس کامل، رئیس سرویس اطلاعاتی مصر هم حضور داشت که نشان از اهمیت ابعاد امنیتی این توافق و روندهای موجود در چارچوب طرح بایدن برای آتش‌بس غزه دارد. در این دیدار تلاش‌های مصر برای انتقال کمک‌های انسانی به غزه مورد بررسی قرار گرفت و السیسی بر لزوم یکپارچگی تلاش‌های بین‌المللی برای رفع موانع پیش‌روی انتقال کمک‌های انسانی، پایان دادن به جنگ غزه، ممانعت از گسترش آن و پیشبرد راهکار تشکیل دولت تأکید کرد.

بعد از این دیدار، وزیر خارجه آمریکا به اراضی اشغالی سفر کرد و در آنجا با بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل دیدار کرد. درخصوص این ملاقات متیو میلر، سخنگوی وزارت خارجه آمریکا اعلام کرد که بلینکن در این دیدار به نتانیاهو گفته است: «پیشنهاد کشورش برای آتش‌بس در غزه آرامش شمال در مرز با لبنان و پیوستگی بیشتر با کشورهای منطقه را فراهم می‌کند». به گفته میلر، بلینکن مجدداً تکرار کرده که «ایالات متحده و رهبران جهان از پیشنهاد جامع بایدن حمایت می‌کنند که منجر به آتش‌بس فوری در غزه، آزادی همه اسیران



از اسرائیل مبنی بر اهمیت پایبندی به تعهدات خود مطابق با مفاد حقوق بین‌الملل و توقف جنگ غزه تأکید کرد. ریاست تشکیلات خودگردان فلسطین هم از پذیرش این قطعنامه استقبال و تأکید کرد که «تصویب این قطعنامه گامی در جهت درست برای توقف جنگ نوار غزه است و ما از همه می‌خواهیم به مسئولیت خود برای اجرای آن عمل کنند».

موضوع بسیار مهم که به نوعی هر گونه تضمین درخصوص اجرای قطعنامه ۲۷۳۵ را به حاشیه می‌راند، اظهارات ریوت شایبر بن نفتالی، نماینده اسرائیل در سازمان ملل است. او بعد از تصویب این قطعنامه صراحتاً اعلام کرد که تل‌آویو به عملیات خود در غزه ادامه خواهد داد و در مذاکرات با حماس مشارکت نخواهد کرد. بن نفتالی در بخش دیگری از اظهاراتش بر «اهمیت دستیابی اسرائیل به اهدافش در غزه همچون بازگشت اسیران و نابودی توان نظامی حماس» تأکید کرد و گفت که به محض تحقق این اهداف، جنگ پایان خواهد یافت».

با نگاهی به روند، اگر ریزی‌های بلینکن را در کنار تصویب قطعنامه ۲۷۳۵ شورای امنیت سازمان ملل قرار دهیم به این نتیجه می‌رسیم که ایالات متحده در وضعیت کنونی و به دو دلیل به دنبال آن است تا بتواند طرح سه‌مرحله‌ای جو بایدن درخصوص برقراری آتش‌بس غزه را با کمک کشورهای منطقه و فشار حداکثری بر حماس و درخواست از اسرائیل، عملیاتی کند. دلیل اول بدون تردید انتخابات ایالات متحده خواهد بود. درست است که نتانیاهو ۲۴ جولای (سوم مرداد) در کنگره آمریکا سخنرانی خواهد کرد و لابی آپیک هم در این راستا برای دموکرات‌ها اهمیت پیدا می‌کند اما واقعیت این است که بایدن در ایالتی مانند کالیفرنیا که ذاتاً به دموکرات‌ها گرایش دارند باید بتواند آرای مهاجران به‌خصوص مسلمانان را به سمت خود جلب کند که البته شاید بخشی از آنها صرفاً مولفه‌های اقتصادی آمریکا را مبنای رای قرار می‌دهند اما به هر ترتیب این طیف برای کمپین بایدن مهم است. دلیل دوم، جدا شدن کسانی مانند آیزنکوت و گانتس از کابینه جنگ اسرائیل است. این اقدام اگرچه از حیث منطقه‌ای و داخلی حائز اهمیت قلمداد می‌شود، اما از منظر ایالات متحده و حتی اروپا می‌تواند یک تهدید برای منافع آنها باشد؛ چراکه حالا تندروهای کابینه جنگ برای خودشان یک‌تازی می‌کنند و ممکن است، اوضاع نه تنها در غزه و رفح بلکه در مرزهای شمالی به یک بحران جدی تبدیل شود. بر همین اساس است که بلینکن برای «هشتمین بار» از اسرائیل و کشورهای دخیل در پرونده غزه درخواست می‌کند که طرفین را به پایان دادن به جنگ تشویق کنند.

اسرائیلی و افزایش قابل توجه و پایدار کمک‌های بشردوستانه در سراسر غزه می‌شود». در این بین موضع بلینکن در مورد آتش‌بس و عملیاتی شدن این روند هم حائز اهمیت است. او در این خصوص به خبرنگاران گفته است چه توافق حاصل شود، چه نشود برای وارد کردن کمک‌های بیشتر به غزه تلاش خواهیم کرد و بهترین راه برای بازگرداندن اسرا از جمله آمریکایی‌ها پذیرش آتش‌بس است». به گفته وزیر خارجه آمریکا، اسرائیل با پیشنهاد بایدن موافقت کرده اما حماس هنوز پاسخی نداده و ما ۱۰ روز است که منتظر پاسخ حماس به پیشنهاد بایدن در مورد غزه هستیم». بلینکن در این خصوص مدعی شده که حماس تنها مانع پیش‌روی توافق آتش‌بس است و خطاب به سران منطقه اعلام کرد که «اگر خواهان توقف جنگ در غزه هستید به حماس فشار بیاورید تا توافق آتش‌بس را بپذیرد چراکه دریافت پاسخ مثبت از حماس برای توقف جنگ، امری بسیار ضروری است». این اظهارات درحالی بیان شده که خانواده‌های اسرای اسرائیل در برابر هتل «کمپینسکی» مقر دیدار آنتونی بلینکن و اسحاق هرترزگ، رئیس‌جمهور اسرائیل در تل‌آویو تجمع کردند و برای چندمین بار خواهان آزادی اسرای اسرائیلی از غزه شدند.

اعمال فشار جامعه ملل

با عبور از مرحله نخست باید به این نکته توجه شود که در گام دوم شورای امنیت سازمان ملل که به درخواست آمریکا تشکیل جلسه داده بود، در شامگاه دوشنبه اقدام به تصویب قطعنامه پیشنهادی آمریکا درباره توقف درگیری‌ها در غزه کرد. براساس اعلام رویترز، این قطعنامه با ۱۴ رای موافق و تنها رای ممتنع روسیه به تصویب رسید. آنچه در این راستا باید مورد نظر قرار بگیرد این است که جامعه ملل از تصویب قطعنامه ۲۷۳۵ شورای امنیت که اصول پیشنهادی جو بایدن، رئیس‌جمهور آمریکا برای آتش‌بس در غزه حمایت می‌کند، استقبال و حماس نیز آمادگی خود را برای همکاری در اجرای آن اعلام کرد اما نماینده روسیه تأکید کرد این قطعنامه هم مثل قطعنامه‌های قبلی صرفاً «جوهر روی کاغذ باقی می‌ماند». پس از تصویب این قطعنامه دیوید کامرون، وزیر خارجه انگلیس از تصمیم این شورا استقبال کرد و از حماس خواست که مفساد توافق با تل‌آویو را بپذیرد و همه بازداشت‌شدگان را آزاد کند. ریاست‌جمهوری ترکیه هم خواستار اجرای هر چه سریع‌تر قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل در مورد آتش‌بس در نوار غزه شد. به موازات این مواضع، وزارت خارجه مصر هم از قطعنامه شورای امنیت استقبال کرد و بر درخواست خود

دریچه: تحلیل عادات

جنبش باز آفرینی

اهمیت باز آفرینی محصولات قدیمی



حسن محرابی
پژوهشگر

طراحی و نوآوری فنی دوباره و مجدد محصولات روش جدیدی از تفکر در مورد چگونگی و چرایی شروع هر فرآیند طراحی و تولید در جهان امروز است. شیوه‌های پایدار و نگرانی‌های زیست‌محیطی تقریباً در دستور کار هر مرکز طراحی و تولید جدید در سراسر جهان است اما امروزه امکان طراحی مجدد نیز به آن افزوده شده است.

طراحی و نوآوری فنی البته یک ایده قدیمی است و به‌طور کلی و مبنایی با مفهوم بازیافت متفاوت است. در حقیقت پدیده دمیدن جان تازه به اقلام قدیمی به قرن‌ها قبل برمی‌گردد. از قدیم بازسازی دوباره بخشی از زندگی روزمره بود. کالاها اغلب مورد استفاده مجدد قرار می‌گرفتند.

به‌طور واضح در زمینه معماری از قدیم این اصطلاح به معنای استفاده مجدد از مصالح ساختمانی‌های کهنه در ساخت‌وسازهای جدید بود. به‌عنوان نمونه در طول جنگ جهانی دوم، کمبود منابع منجر به فعالیت افزایش طراحی مجدد به‌عنوان یک موضوع ضروری شد و موادی مانند پارچه، کاغذ و گونی با نوآوری و ضرورت استفاده مجدد تغییر کاربری دادند. مثلاً در طول جنگ جهانی دوم وزارت اطلاعات بریتانیا در سال ۱۹۴۳ به‌عنوان پاسخی به کمبود منابع و جیره‌بندی لباس، کمپین «انجام بده و اصلاح کن» را آغاز کرد.

در این شیوه ابتکاری شهروندان به تعمیر و استفاده مجدد از اقلام فرسوده تشویق شدند. این کمپین فرهنگ تغییر و صرفه‌جویی را پرورش داد و نشان داد چگونه خلاقیت می‌تواند حتی در زمان‌های چالش‌برانگیز رشد کند. در سال‌های بعد به خاطر این‌که این ایده مورد قبول مردم قرار گیرد از روش‌های هنری استفاده شد. دهه ۱۹۵۰ جنبش «هنر آشغال» ظهور کرد. عنوان «هنر آشغال» توسط لارنس آلوری، منتقد هنری بریتانیایی ابداع شد. این نام برای توصیف هنر ساخته شده از ضایعات فلزی، ماشین‌آلات شکسته، الوار یا مواد دیگری بود که به‌عنوان «ضایعات» در نظر گرفته می‌شدند. پیش‌گامان جنبش هنر آشغال هنرمندانی مانند رابرت راونشبرگ، کریستو جواوآف، اتین مارتیناند و آنتونی تاپیس، هنرمندانی از اسپانیا و ایتالیا نیز در پی این جنبش و تکنیک هستند.

در سال‌های اخیر باز آفرینی محصولات قدیمی دوباره مورد توجه گسترده قرار گرفته است. این اصطلاح سال ۱۹۹۴ توسط مهندس آلمانی راینر پلازین ابداع شد. بازیافت در آن زمان ارزش محصولات قدیمی یا مستعمل را کاهش می‌داد بنابراین پیشنهاد کرد، بهره‌گیری از اشیاء قدیمی ارزش جدیدی تلقی شود و برای آن جایگاهی ویژه قابل شد. از دیدگاه او که امروزه کاملاً رواج دارد «بازسازی چیزی جدید و بهتر از اقلام قدیمی یا مستعمل یا دور ریخته شده ایجاد می‌کند» این فرآیندی است که به ترکیبی از عواملی مانند «آگاهی زیست‌محیطی، خلاقیت، نوآوری و سخت‌کوشی نیاز دارد». در نتیجه به تدریج عموم مردم با این اصطلاحات و هدف آن آشنا شدند. از نظر مردم باز آفرینی محصولات قدیمی عبارت است از استفاده مجدد از اشیاء دور ریخته شده و سایر ضایعات برای استفاده مجدد به چیزی جدید با ارزش بالاتر و استفاده متفاوت.

برخی از چیزهایی که می‌توانند به کالاهای دیگر تبدیل شوند، عبارتند از: مقوا، شیشه، پلاستیک، قطعی‌های فلزی و حلبی، چوب، کاغذ، فوم پلی‌اتیلن و... در حال حاضر شرکت‌هایی هستند که در تلاشند تا با آوار ساختمان‌های قدیمی محصولات طراحی ساختمان‌های خلاقانه و کاربردی مدرن را انجام دهند. آن‌ها حتی از زباله‌های ساختمانی که بالغ بر ۶۰۰ میلیون تن زباله در سال است، مراقبت می‌کنند تا در زمینه باز آفرینی محصولات قدیمی از آنها بهره بگیرند. درحقیقت این فرآیند استفاده از اقلامی است که ممکن است، دور انداخته شوند اما کاربرد جدیدی برای آن‌ها ایجاد می‌شود به گونه‌ای که حتی اغلب دارای ارزش بالاتری است. یعنی در این جنبش جدید صرفاً بازیافت صورت نمی‌گیرد بلکه ارزش بالاتر و بالاتری به اشیاء قدیمی که ظاهراً به‌درد نخور به نظر می‌رسند، بخشیده می‌شود. یک مهندس مکانیک به نام راینر پیلز درخصوص این فعالیت چنین بیان می‌کند: «من بازیافت را چرخه پایین می‌نامم. چیزی که ما به آن نیاز داریم باز آفرینی محصولات قدیمی است که به لطف آن به محصولات قدیمی ارزش بالاتری داده می‌شود، نه پایین تر.»

تصنیف‌هایی از دوره قاجار

تصنیف‌های دوره قاجار به روایت عبدالله دوامی و به نوشته فرامرز پایور به تازگی روانه بازار موسیقی شده است. این اثر که توسط فرزند مجیبی آوانگاری شده، توسط انتشارات ماهور در قالب یک جلد کتاب منتشر شده است. عبدالله دوامی به دلیل بهره‌مندی و ارتباط گسترده با نوازندگان شاخص و راویان اصلی ردیف و خوانندگان به‌عنوان مهم‌ترین مرجع و راوی ردیف آوازی و تصنیف دوره قاجار محسوب می‌شد.

شب صدرالدین عینی

از سلسله شب‌های مجله «بخارا» ساعت ۱۷ سه‌شنبه ۲۹ خرداد شب صدرالدین عینی در تالار استاد جلیل شهنواز خانه هنرمندان ایران برگزار می‌شود. صدرالدین عینی یکی از چهره‌های ماندگار ادبی - فرهنگی تاریخ آسیای مرکزی و یکی از نخستین سراینده‌گان شعر نوبی فارسی و از پیش‌گامان ادبیات نوین فارسی - تاجیکی ورورد قرن بیستم به‌شمار می‌آید. در این مراسم نظام‌الدین زاهدی، سفیر تاجیکستان سخنرانی می‌کند.

ساکن باستانی پاریزی

رویداد تصویرگری «تا صدسالگی استاد باستانی پاریزی» دوشنبه ۲۸ خرداد در باغ موزه نگارستان دانشگاه تهران آغاز به کار می‌کند. هم‌زمان با این رویداد سالن استاد باستانی پاریزی در باغ موزه نگارستان افتتاح خواهد شد. این سالن نمایشگاه دائمی آثار هنرمندان شناخته شده به یاد باستانی پاریزی خواهد بود. همچنین در این رویداد از سرریس باستانی پاریزی که توسط احمد عرب‌بیگی ساخته شده، رونمایی خواهد شد.

ظهور و سقوط اقتدار گرایان

روت بن گیات در مردان قدرت طلب به مکانیسم قدرت یابی و زوال قدرت حاکمان مقتدر پرداخته است



عصر ما دوران مردان قدرت طلب است؛ رهبرانی مانند برلوسکونی و پوتین که به دموکراسی آسیب می‌زنند یا آن را نابود می‌کنند و از ابزار مردانگی برای کسب مشروعیت سیاسی استفاده می‌کنند. در آمریکا، ترکیه، برزیل و سایر کشورهای مهم از نظر ژئوپلیتیکی، این‌گونه رهبران منابع کشور را برای فرودنشان طمع خود به خدمت گرفته و راه مبارزه با تغییرات اقلیمی را سد کرده‌اند. وابستگی آن‌ها به فساد و سانسور و بی‌توجهی به رفاه عمومی به این معنی است که آن‌ها نمی‌توانند بحران‌های ملی را به‌درستی حل‌فصل کنند و برای مردمانشان ویرانی به‌بار می‌آورند. چگونگی مبارزه با ظهور این افراد خودکامه و این‌که چگونه می‌توان آن‌ها را از اریکه قدرت به زیر کشاند؟ یکی از مهم‌ترین مسائل عصر ماست.

کتاب «مردان قدرت طلب: چگونه ظهور می‌کنند، چرا موفق می‌شوند و چگونه سقوط می‌کنند» نوشته روت بن گیات (استاد دانشگاه، پژوهش‌گر حوزه فاشیسم و منتقد فرهنگی آمریکایی) به چگونگی برآمدن، جایگزین شدن و برافکندن حکومت‌های اقتدارگرای می‌پردازد که در عصر حاضر توسط مردان جاه طلب و مستبد و پوپولیست پدید آمده‌اند. این کتاب را انتشارات ققنوس به تازگی با ترجمه فاطمه شاداب منتشر کرده است. «مردان قدرت طلب» از دل یک عمر اندیشیدن به حاکمان مستبد و تأثیر ویران‌گر آن‌ها در افراد و جوامع برآمده است. با ارزش‌ترین منابع نویسنده گزارش‌های افراد گوناگونی بود که دوران حکومت قدرت طلبان را تجربه کرده بودند، تجربیاتی که در قالب خاطرات، داستان‌های مصور، مدارک بازجویی نیروهای نظامی و پلیس و مصاحبه‌ها بیان شدند.

«مردان قدرت طلب» بر اهمیت مردانگی و چگونگی موثر واقع شدن در کنار سایر ابزارهای حکومت اقتدارگرایان تأکید می‌کند.

نمایش قدرت مردانه و احساس نزدیکی با سایر رهبران مذکر فقط هارت و پورت نیست و در واقع چگونگی استفاده از قدرت را در داخل و در هدایت سیاست خارجی نشان می‌دهد. مردانگی به آن‌ها توانایی انجام اعمال آمیخته با فساد و القای این اندیشه را می‌دهد که آن‌ها فراتر از قانون‌اند، قانونی که افراد ضعیف وظیفه دارند آن را رعایت کنند. دانیل زیلات، یکی از نویسندگان کتاب «دموکراسی‌ها چگونه می‌میرند»، کتاب «مردان قدرت طلب» را ارائه‌دهنده «تصویری گرا و روشن‌گر از چگونگی اعمال خشونت، اغواگری و فساد توسط مردان قدرتمند» توصیف می‌کند. هم‌چنین تیموتی اسنایدر، نویسنده کتاب‌های «در مسیر نازآزادی» و «در برابر استبداد»، کتاب «مردان قدرت طلب» را «تحلیلی به موقع از این‌که چگونه یک کاریزما باعث فاجعه سیاسی می‌شود» می‌داند.

روت بن گیات در کتاب «مردان قدرت طلب» ضمن تحلیل و بررسی چگونگی برآمدن حکومت‌های اقتدارگرا و توتالیتر قرن بیستم و قرن اخیر و بحث درباره چگونگی سقوط نظام‌های توتالیتر و استبدادی، زنگ خطری را به صدا درمی‌آورد که به نابودی دموکراسی توسط جریان‌های راست افراطی و بازگشت فاشیسم و نازیسم هشدار می‌دهد. او در این کتاب به بررسی و تحلیل این موضوع می‌پردازد که چنین جریان‌هایی چگونه و با چه ترفندهایی دل مردم را به دست می‌آورند و مردم را با خود همراه می‌کنند.

«مردان قدرت طلب» با نگاه به حکومت‌های استبدادی دو قرن اخیر نوشته شده و بن‌گیات هم به چگونگی برآمدن این حکومت‌ها و ترفندهای به قدرت رسیدن زمامداران‌شان می‌پردازد و هم به این‌که مردان قدرت طلب چگونه سرانجام از عرش به فرس می‌افتند و حکومت‌شان سقوط می‌کند.

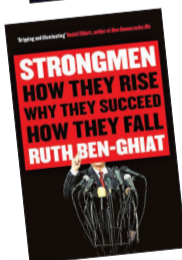
«مردان قدرت طلب» به ما می‌گوید، مردان مستبد چگونه با دست‌آویزهای جنسیتی و با فساد و خشونت و ترفندهای تبلیغاتی

و تلفیق استبداد و پوپولیسم و دست‌کاری تاریخ و هراس‌ها و خواسته‌های مردم، وفاداری جمع‌کنی از مردم را جلب می‌کنند و به قدرت می‌رسند. این کتاب هم‌چنین راه‌های مبارزه با حکومت‌های توتالیتر و اقتدارگرا را نشان می‌دهد و پژوهشی مستند درباره ماهیت اقتدارگرایی و توتالیترسم و چگونگی به قدرت رسیدن و سقوط رژیم‌های استبدادی است. این کتاب بر مبنای داده‌هایی نوشته شده که نویسنده آن‌ها را از راه‌های گوناگون، از جمله مصاحبه با کسانی که تجربه زندگی تحت سیطره نظام‌های اقتدارگرا را داشته‌اند و نیز مطالعه تجربیاتی از این دست که به‌صورت‌های مختلفی مثل خاطرات و داستان‌های مصور و مدارک بازجویی پلیس و نیروهای نظامی، ثبت شده و باقی مانده‌اند به‌دست آورده است.

از جمله شخصیت‌های سیاسی اقتدارگرا که در کتاب «مردان قدرت طلب» از آن‌ها سخن رفته، می‌توان به آدولف هیتلر، بنیتو موسولینی، فرانسیسکو فرانکو، صدام حسین، آگوستو پینوشه، معمر قذافی، ولادیمیر پوتین، دونالد ترامپ، عبیدی امین، رجب طیب اردوغان و سیلو پیرلوسکونی اشاره کرد. «مردان قدرت طلب» از مقدمه، سه بخش به نام‌های «دستیابی به قدرت»، «ابزارهای حکومت»، «از دست دادن قدرت»، «یک بخش نتیجه‌گیری و ۱۰ فصل تشکیل شده است. فصل‌های ده‌گانه کتاب «مردان قدرت طلب» عبارتند از: «قبضه قدرت فاشیستی»، «کودتای نظامی»، «ظهور اقتدارگرایان جدید»، «ملتی‌عظیم»، «تبلیغات»، «مردانگی»، «فساد»، «خشونت»، «مقاومت» و «فرجام».

به اعتقاد روت بن گیات برای مقابله با اقتدارگرایی باید اولویت را به پاسخ‌گویی و شفافیت در دولت داد.

او می‌نویسد: «در قلب حکومت فرد قدرت طلب این ادعا پنهان است که او و عواملش از قانون و قضاوت بالاترند و به حقیقت دینی ندارند. پاسخ‌گویی یکی از معیارهای جوامع باز است زیرا معیار قدیمی - انتخابات - امروزه دیگر چندان قابل اعتماد نیست. کشورهای تحت حکومت اقتدارگرایان جدید غالباً وانمود می‌کنند که به دموکراسی پایبندند و دموکراسی‌های اسمی که افراد خودکامه بر آن حکومت می‌کنند معمولاً به حکومت‌های استبدادی شبیه می‌شوند. در آمریکای تحت حاکمیت ترامپ مانند ایتالیای تحت حاکمیت برلوسکونی، اقدامات قانونی و غیرقانونی، واقعیت و داستان‌سرایی افراد مشهور و سیاستمداران چنان در هم آمیخته می‌شوند که معنای‌شان را از دست می‌دادند و هر کاری نوعی کلاهبرداری به‌شمار می‌آمد. آثار ویران‌گر دور شدن از معیارهای پاسخ‌گویی و حقیقت را می‌توان در واکنش نورا آدائل خبرنگار شبکه خبری سی‌بی‌اس در ژانویه ۲۰۲۰ نسبت به سخنرانی ترامپ درباره



چگونه ظهور می‌کنند، چرا موفق می‌شوند و چگونه سقوط می‌کنند
روت بن گیات / ترجمه فاطمه شاداب
انتشارات ققنوس / ۳۵۹ صفحه / ۳۳۰۰۰۰ تومان



گزارش تلویزیون

حذف مازیار لرستانی از سریال تلویزیونی

این بازیگر به حذف بازی خود از سریال واکنش نشان داد

مازیار لرستانی بعد از دو سال قرار بود با سریال جدید منوچهر هادی به تلویزیون بازگردد اما حاشیه‌های حذف او از این سریال موجب شد تا خود او هم این خبر را تأیید کند. لرستانی از اواخر زمستان سال گذشته مقابل دوربین سریال جدید منوچهر هادی رفته بود اما ظاهراً مدیران تلویزیون نهایتاً با حضور لرستانی مخالفت کرده‌اند و دستور حذف او و تصویربرداری مجدد سکانس‌های او با بازیگر دیگری را داده‌اند. این بازیگر که تا مدتی درباره این اتفاق اظهار نظر نکرده بود، سرانجام به حذف خود از سریال در دست ساخت منوچهر هادی برای تلویزیون واکنش نشان داد. ماجرا از این قرار است که شراره رخام- بازیگر سینما و تلویزیون- به حذف مازیار لرستانی در فضای مجازی واکنش نشان داد و چنین نوشت: «در عجبم از خبری که اخیراً در فضای مجازی متوجه آن شدم مبنی بر حذف تو از سریال جدیدی که در آن مشغول هنرنمایی فوق‌العاده‌ات بودی. نمی‌دانم دست‌های پشت پرده بر چه مبنایی چنین تصمیم عجیبی گرفته‌اند و امیدوارم شایعه‌ای بیش نباشد، نتیجه هر چه باشد، وجود با ارزش تو در دنیای هنر اثر ماندگار و بی‌بدیل خود را داشته، دارد و خواهد داشت». مازیار لرستانی نیز در پاسخ به اظهارات شراره رخام نوشت: «در مقام یک هنرمند و یک انسان هرگز کاری خلاف قانون و شرع انجام ندادم و می‌دانید که در دو سال گذشته رنج‌هایی کشیدم که می‌رسد... من خود را به خدا سپردم... و هرگز جز نور الهی مرا پناهی نیست. بدون شک نور الهی پرده از تاریکی‌ها برخواهد داشت». مازیار لرستانی از اواخر زمستان سال گذشته و آستانه نوروز مقابل دوربین سریال منوچهر هادی رفته بود؛ سریالی که عنوان شده، کمدی است و برای شبکه سوم سیما ساخته می‌شود، با این حال این سریال در سکوت خبری تولید می‌شود و جزئیاتی از آن در دست نیست. این تصمیم تازه مدیران تلویزیون به این معنی است که مازیار لرستانی در تلویزیون ممنوع‌الکار و ممنوع‌التصویر است اما بازی‌های او با هویت قبلی، یعنی شهره لرستانی از شبکه‌های مختلف تلویزیون بازپخش شده و مشکلی برای پخش این سریال‌ها وجود ندارد. سریال «خوشنام» با بازی شهره لرستانی ساخته شد و پس از اقدام به تغییر جنسیت این بازیگر از شبکه‌های مختلف بازپخش شده است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که مدیران تلویزیون با هویت تازه لرستانی مشکل دارند و حاضر نیستند، تصاویر او با این هویت تازه روی آنتن رسانه ملی برود. این بازیگر در حال حاضر در حوزه‌های دیگر ممنوع‌الکار نیست. چراکه پاییز سال گذشته نمایش «در انتظار گودو» را در تهران کارگردانی کرد. مدیران اداره کل هنرهای نمایشی مجوز این نمایش را بدون مشکلی مربوط به تغییر جنسیت این بازیگر صادر کردند و او توانست «در انتظار گودو» را در دو سالن دولتی و خصوصی به اجرا دریاورد. این نمایش برداشتی آزاد و فولکلور از نمایشنامه ساموئل بکت بود که لرستانی آن را ابتدا در سالن چهارسو مجموعه تئاتر شهر به صحنه برد. پس از آن هم این نمایش در خانه نمایش دا به اجرا درآمد. با تمامی حواشی که درباره این بازیگر وجود داشت، استقبال زیادی از این نمایش صورت گرفت و لرستانی با اینکه ادعا کرد، نمایشش را در شهرستان‌ها هم به اجرا درخواهد آورد اما این اتفاق رخ نداد.



یک گل تا پیروزی

هدف بعدی پیروزی است کمدی ساده ورزشی با داستان واقعی است

قادر دولت‌زاده
خبرنگار

ساموآی آمریکا وارد روایت این داستان از نگاه رئیس محلی فدراسیون فوتبال ساموآ می‌شود. این مرد ۱۱ سال پس از آن شکست و باخت‌های دنباله‌دار، تصمیم می‌گیرد یک حرفه‌ای واقعی را به پیست مربیگری این تیم دعوت کند. در نتیجه این درخواست، فدراسیون آمریکا نیز یک مربی پرحاشیه و به ظاهر افسرده به نام توماس رانگن (مایکل فاسبندر) را برای این شغل به ساموآ می‌فرستد. اما رانگن از این شغل ناراضی است اما او کار نسبتاً ساده‌ای در پیش دارد. چون این تیم به خواسته رئیس فدراسیونش حتی مجبور نیست در مسابقات پیروز شود. بلکه تنها کاری که این مربی باید انجام دهد این است که تیم زیر نظر او باید در مسابقات مقدماتی جام جهانی یک گل به ثمر برساند. اما مشکل اینجا است که فوتبال‌لیست‌های بومی ساموآ درکی از بازی فوتبال ندارند و از سویی دیگر نیز به نظر می‌رسد که خود مربی جدید نیز به دلایل مشکلات شخصی به کمک نیاز دارد. فیلم در نهایت قرار است در ۹۰ تا ۱۰۰ دقیقه یک داستان را نمایش دهد که یک ماموریت غیرممکن در آن ممکن خواهد شد و فیلم دارای لحظه خاصی که شخصیت‌ها به چالش کشیده شوند، نیست در واقع انگار قرار است ما با داستانی ساده با چاشنی کمدی و تلقین امیدواری روبه‌رو باشیم. کارگردان تلاش می‌کند، یک داستان واقعی را بازگو کند، اما وایتیتی که قبلاً هم نشان داده است که می‌تواند با زبان طنز پیام‌های خوبی را ارائه کند. داستانش را آنقدر با کمدی و طنز می‌آمیزد که به سختی می‌توان آن را به‌عنوان اثری مستند پذیرفت و خوب شاید این همان تمایز میان مستند و واقعیت باشد که خودش هم پس از اکران فیلمش در جشنواره تورنتو به آن اشاره می‌کند. نمی‌توان از فیلم روحیه قهرمانی یا انگیزه برای پیروزی را استخراج کرد و فضای کمدی بر همه اینها غلبه می‌کند اما به هر حال داستان درباره تیمی است که باید بالاخره حداقل یک گل به ثمر برساند و همین ایده باعث ایجاد انگیزه و نیروی محرک اصلی داستان می‌شود.

فیلم در نهایت اثری است که واقعاً می‌تواند بیننده را سرگرم کند. «هدف بعدی پیروزی است» در واقع با نمایش گروهی از مردم که هم انگیزه دارند هم بیش از حد ناتوان و برای پیروز شدن تبیل هستند و دغدغه آنها صرفاً یک گل در یک بازی حرفه‌ای است، باعث می‌شود تا بلخند را به لب بیننده بیاورند و حتی برای لحظاتی هم که شده، ذهن آنها را از مشکلات روزمره دور کند. تایکا وایتیتی از انواع کلیشه‌های فیلم‌های

در سال ۲۰۰۱ میلادی، تیم فوتبال ساموآی آمریکا با شکست ۰-۳۱ مقابل تیم ملی استرالیا، یک رکورد جهانی منفی را به نام خود ثبت کرد. این بدترین شکست تاریخ یک تیم ملی فوتبال در سطح ملی باعث شد تا ساموآ برای جلوگیری از رسوایی بین‌المللی دیگر، به فکر پیدا کردن یک مربی حرفه‌ای باشد.

تایکا وایتیتی، کارگردان نیوزلندی با الگو قرار دادن یک مستند پیرامون این اتفاق با یک نگاه کمدی به این داستان پرداخته است. هنگامی که «هدف بعدی پیروزی است» در جشنواره بین‌المللی فیلم تورنتو به نمایش گذاشته شد، وایتیتی به سمت میکروفون رفت و گفت که سال ۲۰۱۴ یک مستند درباره تیم ملی فوتبال ساموآی آمریکا (مجمع‌الجزایری در غرب اقیانوس آرام) تماشا کرد و نمی‌توانست باور کند که این مستند براساس واقعیت است. وایتیتی تأکید کرد: «من باید این داستان را در دنیای سینما روایت می‌کردم». او همچنین گفت که حقیقت را آنقدری تغییر داده است و اگر می‌خواهید حقیقت را ببینید، باید به سراغ مستند اصلی بروید. در واقع داستان براساس فیلم مستندی به همین نام ساخته شده. البته تایکا وایتیتی این ماجرای واقعی را از فیلتر نگاه کمدی خاص خود نیز عبور داده است.

تایکا دیوید کوهن مشهور به تایکا وایتیتی، فیلمساز، بازیگر و کمدین نیوزیلندی است. او بابت کارگردانی فیلم‌های کمدی غیر معمول شناخته شده. او افتخاراتی شامل یک جایزه اسکار، یک جایزه فیلم بفتا و یک جایزه گرمی در کارنامه خود دارد. مجله تایم او را یکی از ۱۰۰ فرد تاثیرگذار جهان در سال ۲۰۲۲ معرفی کرد. فیلم‌های بلند او، «پسر» و «شکار انسان‌های سرگردان» هر یک در میان پرفروش‌ترین فیلم‌های نیوزیلند قرار دارند. وایتیتی در سال ۲۰۰۳ با فیلم کوتاه «دو ماشین، یک شب» نامزد جایزه اسکار بهترین فیلم کوتاه شد. او با نویسندگی، کارگردانی و بازیگری فیلم کمدی ترسناک «آنچه در تاریکی انجام می‌دهیم» نامزد دریافت جایزه امی در رشته بهترین مجموعه کمدی شد.

فیلم وایتیتی از همان سکانس اول با شرح آن اتفاق تلخ برای

ورزشی فرمولی استفاده می‌کند، اما داستانی آشنا را با طنز پوچ‌گرایانه خود به‌گونه‌ای به مخاطب القا می‌کند که می‌شود از دیدن آن سرگرم شد و حتی چندبار لبخند زد. اما در این میان می‌توان گفت فیلم به دو نیمه تقسیم شده است. در واقع کارگردان داستان دو شخصیت را دنبال می‌کند. این باعث شد که تمرکز داستان در نیمه دوم از شخصیت اول کاسته شود و داستان دو پاره شده. وایتیتی ظاهراً از بخشی فیلمنامه را کاملاً روی شخصیت دیگری تغییر داده و همین موضوع باعث شده است تا فیلم از هدف اصلی خودش تا حدی دور شود. یعنی داستان خوب شروع می‌شود، اما کارگردان از نیمه، وقتی به دنبال ماجرای دیگری می‌رود، تماشاگر را سردرگم می‌کند و این نشان می‌دهد که فیلمساز، قهرمان اصلی داستان را گم کرده یا اینکه این دو شخصیت آنقدر بر سر او جذاب بودند که نمی‌توانست یکی از آنها را فدا دیگری کند. فیلم‌هایی که از روی مستندها ساخته می‌شوند، همیشه این آسیب را به همراه دارند. چراکه فیلمساز نمی‌تواند از خیر مطرح کردن برخی از شخصیت‌ها یا وقایع بگذرد و همین اتفاق به چند تکه شدن اثر سینمایی می‌انجامد. در اینجا هم فیلم در بین ارائه داستان توماس رانگن یا ساموآی آمریکا با یک بازیکن خاص دچار شک و تردید می‌شود و نمی‌داند که کدام را در اولویت قرار دهد که مشخصاً اولویت باید با دو گزینه اول باشد. مشکل دیگری «هدف بعدی پیروزی است» عدم شخصیت‌پردازی درست مربی است. تا پایان فیلم هم مشخص نمی‌شود که رانگن دقیقاً چه جور مربی است. او گاهی به‌شدت عصبانی می‌شود، گاهی مانند یک مرد کودن عمل می‌کند و بعضی وقت‌ها آنقدر احساساتی می‌شود که تماشاگر را به حیرت وامی‌دارد. بی‌ثباتی شخصیت در او که قرار است نقش مربی داشته باشد، برای تماشاگر باورپذیر نیست.

اما با همه اینها «هدف بعدی پیروزی است» فیلم مفرح و بانمک است که اگرچه با یک کمدی با کیفیت فاصله دارد اما تماشاگر یک باره‌اش برای اینکه ساعتی از فشار کارها و استرس‌های روزمره فاصله بگیریم، جواب می‌دهد و با همه ضعف‌هایش می‌تواند تماشاگر را بخنداند و لحظات مفرحی را برای او فراهم کند. تماشاگر می‌داند که به پای فیلم می‌نشیند بعد از یکی دو سکانس اول می‌فهمد که نباید توقع زیادی از فیلم داشته باشد و درمی‌یابد که برای گذران وقت و کمی خندیدن و فاصله گرفتن از فشارهای روحی انتخاب بدی نداشته است.

برگزاری مجمع عمومی عادی و مجمع عمومی فوق‌العاده انجمن صنفی (نوبت سوم)

در تاریخ پنج‌شنبه، ۲۱ تیرماه ۱۴۰۳ ساعت ۱۰ صبح، نوبت سوم مجمع عمومی عادی انجمن صنفی برای انتخاب بازرسان و مجمع عمومی فوق‌العاده برای اصلاح بندهایی از اساسنامه برگزار خواهد شد. در مجمع عمومی عادی وفق اساسنامه علاوه بر انتخاب بازرسان، هیات‌مدیره و خزانهدار قرائت خواهد شد. در مجمع عمومی فوق‌العاده نیز اصلاح برخی بندهای اساسنامه به شرح زیر در دستور کار قرار خواهد گرفت.

- ۱- اصلاح بند ماده ۴
- ۲- اصلاح بند الف و ب ماده ۶
- ۳- تغییر و اصلاح ماده ۷ و تبصره ۱ آن
- ۴- افزودن یک تبصره به ماده ۸
- ۵- اصلاح و افزودن ماده ۵ و یک بند به آن
- ۶- اصلاح تبصره ۵ ماده ۱۰
- ۷- اصلاح تبصره ماده ۳۱

از تمامی اعضای محترم انجمن درخواست می‌شود در جلسه مجمع فوق‌الذکر در محل دفتر انجمن واقع در خیابان شریعی، ابتدای کودکان غزه، پلاک ۴۸ حضور به هم رسانند.

هیات‌مدیره انجمن صنفی کارگري روزنامه‌نگاران استان تهران

فراخوان مناقصه عمومی همزمان با ارزیابی کیشی یک مرحله‌ای

موضوع مناقصه: عملیات ایمن سازی خط لوله گاز

۱۲ اینچ زرنام رودخانه کردان

نوبت دوم

شناسه آگهی ۱۷۲۹۳۴۳



شرکت گاز استان البرز در نظر دارد مناقصه عمومی همزمان با ارزیابی به شماره نیاز (۱۲-۲۰۰۰۰۱۴۰۲۰۰۳) در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) برگزار نماید.
مبلغ برآورد اولیه: ۶۵،۹۶۸،۵۱۸،۶۵۳ ریال
مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار: ۳،۲۹۸،۴۲۵،۹۳۳ ریال
آخرین زمان مهلت دریافت اسناد توسط مناقصه‌گر: ساعت ۱۶:۰۰ مورخ ۱۴۰۳/۰۳/۲۳
آخرین زمان عودت اسناد توسط مناقصه‌گر: ساعت ۱۶:۰۰ مورخ ۱۴۰۳/۰۴/۰۷
زمان بازگشایی پاکات "الف"، ب، ج، "ج": ساعت ۱۲:۰۰ مورخ ۱۴۰۳/۰۴/۱۷
شرایط مناقصه‌گر:

۱. دارای حداقل رتبه ۵ در رشته ایمنی و ساختمان معتبر از سازمان برنامه و بودجه کشور
۲. دارای گواهینامه صلاحیت ایمنی
- آدرس: استان البرز، کرج، میدان طالقانی، بلوار تعاون، خیابان فرهنگ، روبروی تربیت ۶، شرکت گاز استان البرز، امور بیمه‌انها

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۳/۰۳/۲۲

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۳/۰۳/۲۲

دیدگاه: تحلیل اقتصادی

قدرت خرید

چرا تولید ناخالص داخلی جهان
بیشتر از تصور قبلی است؟

مهتا معرفت
مترجم

طبق محاسبات کنونی بانک جهانی، هزینه کرد جهانی در تمام کشورها و با مجموعه‌ای از ارزها در سال ۲۰۲۲ قدرت خریدی معادل ۱۷۴ تریلیون دلار داشته و این رقم تقریباً هفت تریلیون دلار از برآوردهای اولیه برای همان سال بالاتر است. این قدرت خرید اضافی به طور یکسان توزیع نمی‌شود. تقریباً ۱/۸ تریلیون دلار آن در هند پیدا شد که با معیار برابری قدرت خرید سوئیم اقتصاد بزرگ جهان است. ۶۶۰ میلیارد دلار هم به روسیه تعلق می‌گیرد و اقتصاد آن از اقتصاد ژاپن بزرگتر می‌سازد. این خبر ناخوشایندی برای اوکراین خواهد بود که درگیر جنگی پرهزینه با همسایه‌اش است. اما همین کشور ۱۱۸ میلیارد دلار قدرت خرید اضافی دارد که در بازیابی‌ها نصیب آن شده است و قدرت خرید کلی کشور را یک چهارم بالاتر می‌برد. بزرگترین سهم به چین می‌رسد که ۱/۴ تریلیون دلار است. این رقم نشان می‌دهد که اقتصاد چین در سال ۲۰۲۲، ۲۵ درصد از اقتصاد آمریکا بزرگتر بود. اما اگر از نرخ ارز بازار استفاده کنیم اقتصاد چین ۳۰ درصد از اقتصاد آمریکا کوچک‌تر می‌شود. مقامات چینی از شنیدن این خبر خوشحال نشده‌اند. انجمن آمار این کشور اعلام کرد: «ما باید نتایج را با احتیاط تفسیر کنیم و چشم‌انداز اقتصاد جهانی و جایگاه هر کشور در آن را به درستی درک کنیم». این انجمن تاکید کرد که داده‌ها رسمی نیستند و چین هنوز یک کشور در حال توسعه است. در واقع، حتی با این قدرت خرید اضافه هم تولید ناخالص داخلی سرانه چین در حد متوسط است و با رتبه ۸۵ در سطح میانگین جهانی قرار می‌گیرد. از آنجایی که نرخ پس‌انداز در چین بالاست رتبه هزینه‌کرد مصرف‌کنندگان آن باز هم پایین‌تر می‌آید. طبق گزارش بانک جهانی، در سال ۲۰۲۱ مصرف فردی در چین کمتر از ۹۳۰۰ دلار بود، در حالی که میانگین جهانی به ۱۲۹۵۰ دلار می‌رسید. وقتی ارقام چین با قدرت خرید تعدیل شوند از معادل آن در آفریقای جنوبی یا پرو هم کمتر می‌شوند. بنابراین نمی‌توان از پیدا کردن پول خرد در شکاف مبل‌ها ابراز خوشحالی کرد وقتی همان پول را در لای تشک می‌گذارید. به جای نهادن چه سنگ و چه زر، بسیاری از مردم لذت پیدا کردن پول‌های خرد در شکاف‌های مبل‌ها را تجربه کرده‌اند. بانک جهانی در ۳۰ ماه می تجربه‌ای مشابه را در مقیاسی بزرگتر داشت. این بانک پس از تحلیل عمیق ۱۷۶ کشور متوجه شد تولید ناخالص داخلی جهان به میزان هفت تریلیون دلار اضافه می‌شود. انگار که یک فرانسه و یک میکزی دیگر به جهان افزوده باشیم.

در واقع این موضوع را می‌توان با مثالی بهتر توضیح داد. آنچه بانک جهانی کشف کرد پول اضافی قابل خرج کردن نبود، بلکه معادل یک کوپن تخفیف بود که چهار درصد از بهای تمام کالاها و خدماتی که جهان در یک سال می‌خرد را می‌کشد. این بدان معناست که هزینه‌کرد جهانی می‌تواند از آنچه قبلاً تصور می‌شود گسترش بیشتری پیدا کند. برای درک چرایی این موضوع یک آزمایش فکری انجام می‌دهیم. تصور کنید که کشورهای زیادی در جهان فقط یک کالا، یعنی ساندویچ بیگ‌مک تولید کنند. حسابداران این کشورها در زمان محاسبه تولید ناخالص داخلی اقتصادشان از قیمت‌های بازار استفاده می‌کنند. به عنوان مثال، قیمت هر ساندویچ بیگ‌مک در آمریکا ۵/۶۹ دلار باشد (میانگین قیمت بیگ‌مک در شهرهای مختلف آمریکا طبق گزارش شرکت مک‌دونالد). اگر این کشور در یک دوره زمانی ۱۰۰ ساندویچ تولید کند تولید ناخالص داخلی آن ۵۶۹ دلار خواهد بود. وقتی اندازه اقتصاد جهانی را جمع می‌زنیم منطقی است که یک قیمت را برای تمام کشورها لحاظ کنیم. بدان معنا که اگر کشور رقیب آمریکا ۱۲۵ برگ تولید کند تولید ناخالص داخلی آن ۲۵ درصد بیشتر خواهد بود. اما متأسفانه این محاسبات اغلب به این ترتیب انجام نمی‌شوند. حسابداران ملی آمریکا ارزش بیگ‌مک‌های کشورشان را با قیمت آمریکا می‌سنجند. چین از قیمت یوآنی موجود خودش استفاده می‌کند که ۲۵ یوان برای هر ساندویچ است. بنابراین در زمان مقایسه‌های بین‌المللی، تولید ناخالص چین با استفاده از نرخ ارز هر دلار ۷/۲ یوان به دلار تبدیل می‌شود. در نتیجه هر بیگ‌مک چینی در محاسبه تولید ناخالص جهانی ۳/۴۷ دلار ارزش دارد نه ۵/۶۹ دلار. حتی اگر چین و آمریکا در سال به یک اندازه بیگ‌مک تولید کنند محاسبات متعارف تولید چین را حدود ۴۰ درصد کمتر نشان می‌دهند.

منبع: اکونومیست

ادامه گزارش یک

هشدار ویروسی

با این حال، نگاهی به سوابق و بنیه تیم کارشناسی هر کاندیدا در زمینه مبارزه با فقر و نابرابری، این امکان را به عموم می‌دهد که دسته اول این نوع از کاندیداها را از دسته دوم تمیز دهند؛ چراکه کاهش فقر و نابرابری از جمله پیچیده‌ترین و تخصصی‌ترین مسائل سیاست‌گذاری اقتصادی تلقی می‌شود. به هر تقدیر، افزایش نابرابری در بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته در کنار جراحی‌هایی که در بحران مالی ۲۰۰۸ و بحران بدهی اتحادیه اروپا و رکود اقتصاد جهانی به طبقه متوسط و ضعیف جامعه غرب وارد شد، گرایش به شعارهای ضد نابرابری را افزایش داد. روند افزایش نارضایتی عمومی مردم غرب از وضعیت نابرابری در سال ۲۰۱۱ جنبشی را تحت عنوان «جنبش ۹۹ درصد» ایجاد کرد که یک درصد ثروتمند جامعه آمریکا را مسئول بسیاری از ناکامی‌های مابقی جامعه معرفی کرد. این جنبش به طور مشخص، بحران ۲۰۰۸ و بیسکاری و رکود پس از آن را نتیجه اقدامات غیرمستولانه طبقه ثروتمند آمریکا در بازارهای مالی با هدف کسب سود بیشتر می‌دانست. پس از بروز و ظهور «جنبش ۹۹ درصد» در ۲۰۱۱ برجسته کردن موضوع نابرابری و دیگر شکاف‌ها در جامعه از طریق اشاره به دردهایی که جامعه را به دو دسته تقسیم کند، در انتخابات کشورهای مختلف رواج یافت. از آن زمان تاکنون این دردها از ۴۸ درصد (در فرآیند انتخابات خروجی بریتانیا از اتحادیه اروپا) تا ۹۹/۹ درصد (در واکنش پل کروگمن، برنده نوبل ۲۰۰۸ اقتصاد به رشد ۴۰۰ درصدی درآمد ۱/۰ درصد ثروتمندترین مردم آمریکا) در حال تغییر بوده است. مطالعات Trans-Parency International نشان می‌دهد که جوامعی با سطح نامطلوب مبارزه با فساد، آستان ظهور پوپولیسم هستند. واقعیت آن است که در سطح نظری بین فساد و نابرابری رابطه بازخورد وجود دارد. به عبارت دیگر، افزایش سطح فساد می‌تواند سطح نابرابری را افزایش دهد همچنین بالا رفتن سطح نابرابری می‌تواند قدرت اقتصادی لازم برای اقدامات فسادآلود را فراهم کند. در سطح تجربی نیز همبستگی قوی میان سطح فساد و سطح نابرابری قابل مشاهده است. بنابراین زمانی که ادراک عمومی از میزان فساد موجود در جامعه در سطح بالایی قرار دارد، سیاستمدارانی که به استراتژی‌های پوپولیستی گرایش دارند، این امکان را خواهند داشت که نابرابری را به عنوان نتیجه فساد موجود معرفی کنند. در این شرایط، افکار عمومی در سایه تبلیغات گسترده، درآمد و ثروت بخش مرفه جامعه را ناشی از روابط فسادآلود و نامشروع قلمداد می‌کنند. از این رو، به زیر کشیدن طبقه غنی و بازتوزیع درآمد و ثروت این طبقه، امری به حق و عادلانه تلقی می‌شود که وضعیت اقتصادی و معیشتی مابقی جامعه را بهبود می‌بخشد. بدین ترتیب، وعده مبارزه با نابرابری چه به لحاظ بار ارزشی که از مبارزه با فساد و بی‌عدالتی به همراه دارد و چه از نظر تأثیری که قرار است بر معیشت عموم داشته باشد، وعده‌ای اغواکننده خواهد بود. اگرچه مبارزه با فساد و نیز مبارزه با آن بخش از نابرابری که

نتیجه تلاش و بهره‌وری نبوده و به روابط فسادآلود مرتبط است، امری اخلاقی و در عین حال هم‌راستا با توسعه اقتصادی و سیاسی خواهد بود، لیکن اجرای یک پروژه اثربخش مبارزه با فساد، کاهش نابرابری و فقرزایی نیازمند تخصص، تجربه و تیم متبحر در این حوزه‌هاست. مقابله با فساد و نابرابری به حدی پیچیده است که هر تلاشی در این راستا بدون در اختیار داشتن بنیه نظری و اجرایی قوی قطعاً شکست خواهد خورد، به نحوی که ورود ناآگاهانه به این حوزه‌های پیچیده بدون در اختیار داشتن ملزومات آن، افزایش سطح فساد و نابرابری را به همراه خواهد داشت.

آیا سطح نابرابری در ایران به حدی است که امکان برجسته کردن مقوله شکاف طبقاتی فراهم باشد؟

اکثریت جامعه امروز ایران در تلاش برای بقا و تامین حداقل نیازهای خود هستند اما این وضعیت برای عده اندکی از افراد که ثروت‌شان به صورت تصاعدی افزایش می‌یابد، متفاوت است. هر اتفاقی که در سال‌های گذشته در اقتصاد کشور رخ داده و هر نوع از سیاست‌گذاری اقتصادی به سود این گروه تمام شده و ارزش‌داری آنها را ده‌ها برابر کرده است. اکثریت جامعه امروز ایران با شدت و ضعفی متفاوت، در حال تلاش برای بقا و تامین حداقل نیازهای خود هستند، این وضعیت برای عده اندکی از جامعه که ثروت‌شان به صورت تصاعدی افزایش می‌یابد کاملاً متفاوت است. برای عامه مردم که هزینه‌های روزمره زندگی عملاً پس‌اندازی برایشان باقی نمی‌گذارد، درک اینکه برخی افراد چقدر دارایی دارند و ثروت خود را صرف چه چیزهایی می‌کنند، چندان ساده نیست. آمارها نشان می‌دهد نسبت ثروت ۱۰ درصد مرفه جامعه به ۱۰ درصد فقیر بیش از ۴۵ برابر است. بر مبنای مطالعات اقتصاددانان بیش از ۵۰ درصد ثروت کشور در اختیار ۱۰ درصد مرفه جامعه است و این سهم در سال‌های گذشته همواره افزایشی بوده است. نتایج فوق براساس داده‌های در دسترس خانوارها محاسبه شده و طبیعی است که داده‌های بخش مهمی از اجزای ثروت مانند مستغلات بدون سند، طلا و ... در دسترس قرار ندارد که همین امر سبب کم‌برآوردی می‌شود. یکی از شاخص‌های راهنما که می‌تواند شدت نابرابری در ثروت را به خوبی نشان دهد، سپرده‌های بانکی است. براساس برخی گزارش‌های منتشر شده ۸۰ درصد سپرده‌های حقیقی بانک‌ها در اختیار ۱۰ درصد سپرده‌گذاران است و ۹۰ درصد دیگر سپرده‌گذاران تنها ۲۰ درصد سپرده‌های بانکی را در اختیار دارند. بنابر این گزارش، کف سپرده‌گذاری ۱۰ درصد مرفه در هر حساب برابر با ۱۰۰ میلیون تومان و سقف سپرده‌گذاری ۱۰ درصد فقیر برابر با ۱ میلیون تومان است که این نسبت نشان‌دهنده شدت بالای نابرابری در ثروت است. در نقطه مقابل، خیلی از افرادی که در یک دهه گذشته از نظر درآمدی در میانه و دهک‌های بالایی جمعیت ایران قرار داشتند، اکنون برای تامین معاش خود در مضیقه هستند. شرایط

اقتصادی کشور به گونه‌ای است که بخش قابل توجهی از افراد فاقد شغل هستند و چشم‌اندازی هم برای پایان دوره بیکاری خود ندارند. بخش دیگری هم که شاغل هستند، درآمدشان کفاف حداقل‌های زندگی را نمی‌دهد. بخش دیگری از جامعه هم که بیکار نیستند و فعلاً وضعیت بدی ندارند، در ترس دائم برای از دست دادن قدرت خرید خود در آینده قرار دارند. در چنین شرایطی مشاهده خانه‌های تجملی و دیدن خودروهای چند میلیاردی با سرنشینان جوان بسیار آزاردهنده است و باعث خشم و نارضایتی در جامعه می‌شود. اگرچه ممکن است اغلب ایرانیان تصویر روشنی از ثروتمندان ایرانی در ذهن نداشته باشند، یعنی چیزی درباره زندگی و کسب‌وکارشان ندانند اما اغلب نسبت به آنها احساس بدی دارند.

هزینه‌های برخورد پوپولیستی با نابرابری

نابرابری در درآمد اگرچه می‌تواند ناشی از برخورداری عده‌ای از رانت باشد اما بخشی از نابرابری نیز مربوط به تفاوت انسان‌ها در سطح تلاش و بهره‌وری است. بنابراین وعده کاهش نابرابری با مکانیسم‌های خام توزیع پول علاوه بر آنکه هیچ تضمینی برای کاهش دسترسی قشر مذکور به رانت و کاهش فساد ایجاد نمی‌کند، عایدی افراد بهره‌ور و پرتلاش را کاهش داده و به انگیزه فعالیت مولد این گروه، لطمه وارد می‌کند. دقیقاً براساس چنین دلایلی، کشورهای مختلف و مجامع جهانی به جای تمرکز بر کاهش نابرابری درآمد (به عنوان خروجی رقابت اقتصادی) تلاش خود را معطوف به ارتقای «برابری در دسترسی به فرصت‌ها» نظیر دسترسی به آموزش، دسترسی به بهداشت، دسترسی به اطلاعات و ... کرده‌اند. لیکن در صورتی که جامعه و سیاستمداران به جای تاکید بر ارتقای دسترسی برابر به فرصت‌های اقتصادی بر کاهش نابرابری از طریق توزیع پول تمرکز کنند با توجه به محدودیت‌های جدی در منابع بودجه عمومی، همان‌طور که پیش از این نیز تجربه کرده‌ایم قطعاً شاهد جهش تورم، توقف خلق شغل، ناآرامی در بازار ارز، توقف سرمایه‌گذاری دولت در زیرساخت‌ها و پروژه‌های عمرانی، کسری بودجه دولت و سایر تبعات همیشگی سیاست‌های پوپولیستی فاقد منطق اقتصادی خواهیم بود که در نهایت بیشترین آسیب خود را به اقشار ضعیف وارد خواهد کرد. در حال حاضر نقدینگی در مقیاسی بزرگ در حال افزایش است. تحریم‌ها می‌تواند رکود همراه با تورم را به اقتصاد ما تحمیل کنند، در نتیجه رشد اقتصادی منفی خواهد بود و کسری بودجه نیز به افزایش بیشتر تورم خواهد انجامید. افزایش نقدینگی در مقیاس بزرگ همراه با رکود و نظام چندقیمتی به طور طبیعی به گسترش فساد و رانت‌جویی و افزایش نابرابری خواهد انجامید. اقتصاددانان معتقدند، فشار ناشی از بحران‌های اقتصاد در کنار دیگر چالش‌های نوظهور در اقتصاد ایران می‌تواند، زمینه‌ساز برخاستن پوپولیسم از گور باشند. آیا مردم با رای خود این روند را متوقف می‌کنند؟

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

اله نوروزی تایید و محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دونوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشارنوبت اول: ۱۴۰۲/۰۳/۰۸ تاریخ انتشارنوبت دوم: ۱۴۰۳/۰۳/۲۳
شناسه آگهی: ۱۷۲۱۳۵۴

صمد قدیم آبادی
رئیس ثبت اسناد و املاک منطقه دو قزوین

برابر آرای شماره ۱۴۰۳۶۰۳۰۹۰۶۸۰۰۰۰۲۱ و ۴۷۱۳۶۰۳۰۹۰۶۸۰۰۰۰۳۰ مورخه ۱۴۰۳/۰۱/۰۵ پرونده های کلاسه ۱۴۰۳۶۰۳۰۹۰۶۸۰۰۰۰۶۳۴ و ۱۴۰۲۱۱۴۴۰۹۰۶۸۰۰۰۰۶۳۳ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک منطقه دو قزوین تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی مالکیت آقایان: علی بیگدلی به شناسنامه شماره ۴۳۶۰۲۸۵۸۱ کد ملی ۴۳۶۰۲۸۵۸۱ صادره از خداینده فرزند اسفندیار در سه دانگ مشاع - رحیم بیگدلی به شناسنامه شماره ۴۳۶۰۲۵۰۵۶۸ کد ملی ۴۳۶۰۲۵۰۵۶۸ صادره از خداینده فرزند اسفندیار در سه دانگ مشاع از شش‌دانگ یکباب ساختمان به مساحت ۱۴۴/۱۸ متر مربع (پس از رعایت بر اصلاحی بمساحت ۱۴۲/۳۱ متر مربع) پلاک شماره ۵ اصلی واقع در قزوین بخش ۵ حوزه ثبت ملک منطقه دو قزوین خریداری مع الواسطه از رمضان ابراهیمی و ابراهیم عسگری و حجت



فرش‌های سعدآباد پیدا شد

گزارش سخنگوی قوه قضائیه از تحولات قضایی

گروه اجتماعی: اصغر جهانگیر، سخنگوی قوه قضائیه در نشست خبری روز سه‌شنبه، ۲۲ خرداد، از تشکیل پرونده

برای بررسی علت سقوط هلی‌کوپتر حامل ابراهیم رئیسی و همراهانش، اعتراض امیر تلو به حکم دادگاه و پیدا شدن فرش‌های مفقودی کاخ سعدآباد خبر داد و آخرین وضعیت پرونده‌های سرقت از بانک ملی، قتل داریوش مهرجویی و همسرش، کوروش کمپانی و شبکه قاچاق دارو را تشریح کرد. جهانگیر درباره آخرین وضعیت پرونده سرقت از بانک ملی گفت که برای ۱۹ نفر از متهمان این پرونده با اتهام «تحصیل مال نامشروع و سرقت» کیفرخواست صادر شده است. او در پاسخ به سوالی درباره چرایی طولانی شدن این پرونده گفت که لازم بود، ادعاهای مال‌باختگان راستی‌آزمایی شود و با توجه به اینکه یک طرف پرونده بانک ملی بود، مصالحه بانک با مال‌باختگان باید به تصویب دادگستری می‌رسید.

سرقت از صندوق امانات بانک ملی ایران خرداد ۱۴۰۱ اتفاق افتاد. سارقان با استفاده از تعطیلات خرداد از ساختمان مجاور وارد بانک ملی شعبه دانشگاه تهران شدند و ضمن مسدود کردن تمام دوربین‌های مداربسته بانک، محتویات داخل صندوق‌های امانات را به سرقت بردند.

حالا پس از گذشت حدود دو سال، سخنگوی قوه قضائیه گفت که با ۱۴۵ تن از مال‌باختگان تسویه حساب شده و تنها پنج نفر مطالبات‌شان را وصول نکرده‌اند. او همچنین گفت که این پرونده در دادگاه کیفری ۱ درحال رسیدگی است.

سخنگوی قوه قضائیه درباره آخرین وضعیت پرونده موسوم به «کوروش کمپانی» نیز گفت که تاکنون بیش از ۷ هزار نفر شکایت‌شان را در دادسرا ثبت کردند. او میزان مطالبه این پرونده را ۲۰۰ میلیارد تومان اعلام کرد و وعده داد که قوه قضائیه از همه «ظرفی‌ها» برای شناسایی اموال مالک کوروش کمپانی و فروش آنها به نفع مالباختگان استفاده می‌کند.

به گفته سخنگوی قوه قضائیه، پرونده‌های با شکایت دست‌کم ۵۱۸ نفر نیز در رابطه با موبایل موسوی تشکیل شده است.

کوروش کمپانی و موبایل موسوی با ادعای فروش ارزان گوشی موبایل و به نام پیش‌فروش، مبلغ زیادی از مال‌باختگان گرفتند اما به تعهداتشان عمل نکردند. مالک کوروش کمپانی متواری شد و مالک موبایل موسوی نیز اکنون به اتهام «اخلال در نظام اقتصادی» بازداشت است.

سخنگوی دستگاه قضایی درباره آخرین وضعیت سرقت فرش‌های کاخ سعدآباد نیز اعلام کرد که برخی فرش‌ها در دستگاه‌های دولتی پیدا شده‌اند. او سرقت فرش‌های سعدآباد را انکار کرد و مدعی شد که این فرش‌ها «بدون رعایت



تشریفات قانونی و ضوابط با سهل‌انگاری منتقل شده‌اند و به همین دلیل شائبه سرقت ایجاد شد».

جهانگیر در ادامه افزود که با «پیگیری‌های بعدی برای پیدا شدن مابقی فرش‌ها نیز اقدام می‌شود».

ماجرای مفقود شدن فرش‌های کاخ سعدآباد به خرداد ۱۴۰۲ بازمی‌گردد؛ وقتی خبرگزاری فارس در خبری اعلام کرد که فرش‌های نفیس کاخ سعدآباد با وات از این مجموعه خارج شده‌اند. پس از آن مسئولان دولت سیزدهم، مقام‌های دولت قبل را متهم کردند و مقامات دولتی روحانی انگشت اتهام را به سمت مدیران دولت احمدی‌نژاد گرفتند. در نهایت نیز برخی رسانه‌ها اعلام کردند که پرونده سرقت فرش‌ها در دادگاه ویژه روحانیت بررسی می‌شود.

فرش‌های مورد اشاره، مجموعه‌ای است که آن را دومین مجموعه گران‌قیمت فرش در جهان و دومین کلکسیون بزرگ فرش در دنیا لقب داده‌اند و شامل فرش‌های نفیسی از دوره قاجار و زندیه است. کارشناسان، قیمت تنها ۱۰ تخته فرش از این ۴۸ تخته فرش مسروقه را ۱۳۰ میلیارد تومان برآورد کرده‌اند.

اصغر جهانگیر درباره آخرین وضعیت پرونده امیرحسین مقصدلو ملقب به تلو گفت که او به حکم دادگاه بدوی اعتراض کرده و پرونده درحال ارسال به دادگاه تجدیدنظر است و پس از حکم دادگاه تجدیدنظر درباره آن اطلاع‌رسانی می‌شود.

سخنگوی قوه قضائیه درباره آخرین وضعیت پرونده

مربوط به بازداشت اعضای شبکه موسوم به «قاچاق دارو» نیز گفت که برای ۸ نفر از متهمان این پرونده کیفرخواست صادر و پرونده آنان به دادگاه ارسال شده است. او گفت که جزئیات این پرونده را در «وقت مقتضی» اعلام می‌کند. جهانگیر در عین حال گفت که «حجم فعالیت شبکه قاچاق دارو به قدری نبوده است که مردم نگران شوند».

سخنگوی قوه قضائیه همچنین درباره آخرین وضعیت پرونده قتل داریوش مهرجویی و همسرش گفت که این پرونده دارای چهار متهم است که متهم اول به دو بار قصاص، متهم دوم به تحمل ۲۰ سال حبس و شلاق تعزیری، متهم سوم به تحمل ۲۰ سال حبس و متهم چهارم به دلیل نوجوان بودن به پنج سال نگهداری در کانون اصلاح و تربیت محکوم شدند. او در ادامه افزود که از رای صادر شده، فرجام‌خواهی شده و پرونده در دیوان عالی کشور درحال رسیدگی است.

مانوش منوچهری، وکیل خانواده مهرجویی، پیش‌تر گفته بود که این پرونده با «ایرادهای اساسی» به مرحله صدور رای رسید، درحالی که خانواده مهرجویی حتی نسخه‌ای از گزارش پزشکی قانونی را هم در اختیار نداشتند.

اصغر جهانگیر در نشست خبری روز سه‌شنبه از تشکیل پرونده‌ای در ارتباط با سقوط هلی‌کوپتر حامل ابراهیم رئیسی در سازمان قضایی نیروهای مسلح خبر داد و گفت که ضابطان درحال جمع‌آوری ادله و گزارش‌های نهایی‌اند و دستگاه قضایی به محض تکمیل تحقیقات، این پرونده را پیگیری می‌کند.

گزارش

کتابخانه غیرملی!

معاونان اجازه ورود به کتابخانه ملی را ندارند!

انتشار آیین‌نامه جدید عضویت در کتابخانه ملی ایران، انتقاداتی را از سوی پژوهشگران و دانشجویان به همراه داشته است. از نظر منتقدان؛ آیین‌نامه جدید دایره مراجعه‌کنندگان به کتابخانه ملی را محدودتر از گذشته کرده است. از جمله تغییراتی که در آیین‌نامه جدید اعلام شده، محدود کردن دانشجویان کارشناسی ارشد متقاضی استفاده از خدمات کتابخانه است؛ بر این اساس تنها دانشجویانی در این مقطع می‌توانند از خدمات کتابخانه بهره‌مند شوند که موضوع پایان‌نامه آنها به تصویب رسیده باشد؛ در واقع دانشجویان ترم‌های پایانی کارشناسی ارشد از این پس امکان عضویت دارند، این درحالی است که در گذشته همه دانشجویان این مقاطع می‌توانستند از خدمات کتابخانه استفاده کنند، بی‌آنکه قیدی برای آنها لحاظ شده باشد. محدود کردن تعداد دانشجویان متقاضی استفاده از کتابخانه ملی از دوره ریاست اسحاق صلاحی در دوره ریاست جمهوری محمود احمدی‌نژاد کلید خورد، در آن زمان به منظور جلوگیری از تبدیل شدن کتابخانه به «قرانت‌خانه» قرار شد دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد به بالا به عضویت کتابخانه درآیند. از دیگر نکات قابل توجه آیین‌نامه جدید، حذف بخشی از گروه‌ها در استفاده از منابع کتابخانه است؛ بدین ترتیب اسمی از خانواده شهدا و ایثارگران (به شرط داشتن مدرک لیسانس)، بازنشستگان دولتی، معلولین جسمی و حرکتی، نایبانیان و کمپنیانیان، ناشنویان، اعضای درجه یک اهداکنندگان آثار نفیس و مخترعان نیامده است. همچنین به نظر می‌رسد، ترکیب اعضا در بخش ویژه نیز با تغییراتی همراه است. پیش از این اعضای هیات علمی می‌توانستند از مزایای عضویت ویژه بهره‌مند شوند اما در آیین‌نامه جدید، این اعضا جزو اعضای پژوهشی ذکر شده‌اند همچنین دیگر خبری از عضویت رؤسای فرهنگستان‌ها، مراجع تقلید، اعضای پیوسته فرهنگستان و رؤسای سابق کتابخانه ملی در این بخش نیست. کتابخانه ملی برای هر پژوهش‌گر و محقق جزو اولین انتخاب‌ها برای مراجعه است؛ با این حال طبق آیین‌نامه جدید دیگر به نویسندگان کتاب‌های علمی و تخصصی همچنین نویسندگان مقالات ISI و علمی‌پژوهشی که می‌توانند از اصلی‌ترین مراجعه‌کنندگان به تالارهای کتابخانه باشند نیز عضویت تعلق نمی‌گیرد. دایره تغییرات اما بسر خلاف دایره اعضا، گسترده‌تر شده است؛ به طوری که به شرایط تمدید کارت عضویت نیز رسیده و با اما و اگرهایی همراه است.



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

رای عدم افراز

در اجرای درخواست افراز آقای جلیل یارزاده با سمت وکیل برابر وکالت نامه شماره الکترونیک ۱۳۹۷۶۷۱۰۱۳۹۷۶۷۱۰ فرعی از ۱۶۴ مورخ ۱۴۰۲/۱۰/۳ مبنی بر وکالت از آقای خدایار کرمی مالک سی و شش سهم مشاع از شصت و چهار سهم عرصه و اعیان از دانگ شش‌دانگ مشاع یک باب خانه تحت پلاک ۱۶۴ فرعی از ۱۶۴ اصلی را نموده است. برابر دستور شماره ۹۵۵۹ مورخ ۱۴۰۲/۱۰/۵ رئیس ثبت اسناد و املاک منطقه ۲ شهرستان ایلام و با استفاده از ماده ۲ آیین‌نامه قانون افراز برای محتویات پرونده و معاینه محلی پلاک مرقوم مطابق ماده ۳ قانون مذکور و پس از اخذ استعلام از شهرداری برابر پاسخ استعلام شماره ۵۵۲۸۹۷/۳ مورخ ۱۴۰۲/۱۲/۸ شهرداری ایلام و استناد به ماده ۱۰۱ قانون شهرداریها پلاک ۱۶۴ فرعی از ۱۶۴ غیر قابل افراز اعلام گردیده است.

«تصمیم رئیس ثبت»

با استعانت از خداوند متعال و با عنایت به ماده ۵ قانون افراز و فروش املاک مشاعی و با استناد به پاسخ استعلام شماره ۵۵۲۸۹۷/۳ مورخ ۱۴۰۲/۱۲/۸ شهرداری ایلام و عدم رعایت حد نصاب قطعات فنی برابر ماده ۱۰۱ قانون شهرداری ها پلاک ۱۶۴ اصلی مورد تقاضای آقای جلیل یارزاده با سمت وکیل برابر وکالت نامه شماره الکترونیک ۱۳۹۷۶۷۱۰۱۳۹۷۶۷۱۰ فرعی از ۱۶۴ مورخ ۱۴۰۲/۱۰/۳ مبنی بر وکالت از آقای خدایار کرمی مالک سی و شش سهم مشاع از شصت و چهار سهم عرصه و اعیان از دانگ شش‌دانگ مشاع یک باب خانه تحت پلاک ۱۶۴ فرعی از ۱۶۴ اصلی قابلیت افراز نداشته لذا رای به عدم افراز صادر و مراتب به عدم صلاحیت اداره ثبت و به شایستگی مرجع محترم قضایی صادر می‌گردد. لذا برابر ماده ۲ قانون افراز رای صادره قابل اعتراض در دادگاه محل وقوع ملک می‌باشد و مهلت اعتراض به رای صادره ۱۰ روز از تاریخ ابلاغ تصمیم مورد اعتراض اعلام می‌گردد. جلیل تیموریان - رئیس منطقه ۲ ثبت اسناد و املاک شهرستان ایلام

شناسه آگهی ۱۷۳۴۴۹
۱۴۸

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

شناسه: ۱۷۲۴۸۳۷

در روستای زه‌آباد طارم سفلی قزوین بخش ۱۳ حوزه ثبت ملک منطقه یک قزوین (استشهادیه محلی مورخ ۱۳۹۰/۰۹/۰۹ مجمهور به مهر شورای اسلامی روستای زه‌آباد طارم سفلی) محرز گردیده است.

۶-برابر رای شماره ۱۰۰۰۳۱۸ مورخ ۱۴۰۳/۰۱/۲۵ کلاسه ۱۴۰۳/۰۱/۲۵ مورخ ۱۴۰۲/۱۱/۱۵ موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک منطقه یک قزوین تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی وزارت آموزش و پرورش به شناسه ملی ۱۴۰۰۲۹۰۱۹۵ در شش‌دانگ یک باب مدرسه به مساحت ۶۷۸/۹۰ متر مربع پلاک شماره ۸۳-اصلی واقع در روستای نجف‌آباد طارم سفلی قزوین بخش ۱۳ حوزه ثبت ملک منطقه یک قزوین (صورجلسه تعیین موقعیت زمین مورخ ۱۳۷۴/۰۲/۱۱) محرز گردیده است.

۷-برابر رای شماره ۱۰۰۰۳۰۷ مورخ ۱۴۰۳/۰۱/۲۵ کلاسه ۱۴۰۳/۰۱/۲۵ مورخ ۱۴۰۲/۱۱/۲۵ موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک منطقه یک قزوین تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی وزارت آموزش و پرورش به شناسه ملی ۱۴۰۰۲۹۰۱۹۵ در شش‌دانگ یک باب ساختمان مدرسه و محوطه آن به مساحت ۶۲۴/۱۰ متر مربع پلاک شماره ۲۴-اصلی واقع در روستای دلجک طارم سفلی قزوین بخش ۱۳ حوزه ثبت ملک منطقه یک قزوین (صورجلسه تعیین موقعیت زمین و ساختمان مدرسه در دلجک) محرز گردیده است.

۸-برابر رای شماره ۱۰۰۰۳۰۴ مورخ ۱۴۰۳/۰۱/۲۵ کلاسه ۱۴۰۳/۰۱/۲۵ مورخ ۱۴۰۲/۱۱/۲۵ موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک منطقه یک قزوین تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی وزارت آموزش و پرورش به شناسه ملی ۱۴۰۰۲۹۰۱۹۵ در شش‌دانگ یک قطعه زمین به مساحت ۴۰۰/۳۵ متر مربع پلاک شماره ۶۹-اصلی واقع در روستای غنچه خوران طارم سفلی قزوین بخش ۱۳ حوزه ثبت ملک منطقه یک قزوین (برابر صورجلسه مورخ ۱۳۷۷/۰۳/۲۴) و استعلام مالکیت مجمهور به مهر شورای روستای غنچه خوران) محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۲/۰۳/۰۸
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۲/۰۳/۲۲

رئیس ثبت اسناد و املاک منطقه یک قزوین - شعبان عسگری - ۱۲۸۸

ادامه تیتیر یک

دوم خرداد دوم؟

انتخابات دو مرحله‌ای و شکستن آرای رئیس مجلس

رئیس مجلس چهارم، علی‌اکبر ناطق‌نوری بود که در انتخابات مجلس با لیست جامعه روحانیت مبارز - مشابه لیست جبهه انقلاب - شرکت کرد و اگرچه در مجلس چهارم، نفر اول تهران شده بود اما در مجلس پنجم به دلیل اختلافاتی که محافظه‌کاران و راست سنتی دچار آن شده بودند، آرای او کم شد به طوری که نتوانست نفر اول تهران باشد. در انتخابات مجلس پنجم، این فائزه هاشمی بود که نفر اول تهران شد و تنها دو نفر در مرحله اول آرای لازم را کسب کردند، اول فائزه هاشمی و دوم ناطق‌نوری بودند. دیگر شرکت کنندگان به دور دوم رفتند. چنانکه در انتخابات مجلس دوازدهم، قالیباف نیز که در مجلس یازدهم نفر اول تهران بود به دلیل اختلافات درونی اصولگرایان و غلبه بدنه بر رأس، با ریزش یک میلیونی آرا مواجه شد و از شهر تهران فقط ۴۰۰ هزار رای گرفت. این انتخابات نیز مانند انتخابات مجلس به مرحله دوم رفت تا نمایندگان در مرحله دوم مشخص شوند.

نماد وضع موجود

هر دو رئیس مجلس، چه ناطق‌نوری و چه قالیباف با رؤسای جمهوری وقت خود در عین انتقاد ضمنی از اداره دولت اما حامی دولت بودند. ناطق‌نوری، هم پیمان هاشمی‌رفسنجانی بود و در مجلس به او و دولت او سخت نمی‌گرفت. محمداقرب قالیباف نیز اگرچه منتقد برخی از روش‌های دولت رئیسی بود اما با این حال همراه دولت بود و اساساً به وزاری رئیسی در سه سال گذشته سخت نگرفت. در واقع مجلس باید ناظر بر دولت می‌بود اما رفیق دولت شد.

با چنین وضعیتی راست سنتی و محافظه‌کاران در مجلس فعالیت را برای انتخابات ریاست‌جمهوری آغاز کردند و کارگزاران سازندگی و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی که فراکسیون مستقلین را تشکیل داده بودند به ریاست‌جمهوری سال ۷۶ به‌عنوان یک فرصت برای بازسازی تشکیلاتی چشم دوختند. آنها اطمینان داشتند که نمی‌توانند در انتخابات ریاست‌جمهوری ۷۶ پیروز شوند. زیرا علی‌اکبر ناطق‌نوری، رئیس مجلس پنجم با آنکه نفر اول تهران نشده بود، اما از قدرت بسیاری در حاکمیت برخوردار بود، محل مراجعه افراد سیاسی بود و همراه دولت هاشمی‌رفسنجانی تلقی می‌شد. بسیاری او را یکی از افرادی می‌دانستند که نقشی در وضعیت موجود کشور به خصوص در سال‌های ۷۵-۷۶ داشت. چنانکه محمداقرب قالیباف نیز اگرچه نفر اول تهران نشد و به نظر رسید که جایگاهش در میان اصولگرایان دچار تردید شده اما همچنان از چهره‌های قدرتمند جناح اصولگراست و او را یکی از بانیان وضع موجود می‌خوانند.

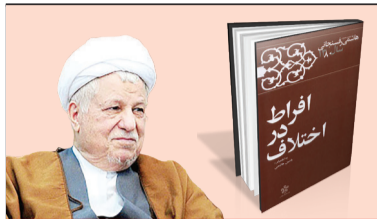
از تعدیل اقتصادی تا جراحی اقتصادی

اما جدا از مجلس در جامعه و دولت نیز اتفاقات دیگری نیز رخ داد که بسیار شبیه اتفاقات امروز بود. هاشمی‌رفسنجانی در دوره ریاست‌جمهوری خود به این نتیجه رسیده بود که باید بخش دولتی را لاغر و بخش خصوصی را تقویت و بازسازی کند. به همین دلیل نیز با برنامه‌ای که به «تعدیل اقتصادی» شهرت یافت، خصوصی‌سازی بخش دولتی را آغاز کرد. این یک جراحی بزرگ در اقتصاد ایران بود. بخش دولتی در دوران نخست‌وزیری مهندس میرحسین موسوی فربه شده بود و کارایی خود را نیز از دست داده بود و به اقتصاد کشور لطمه می‌زد. برای هاشمی و دولتش مساله اصلی اقتصاد بود. او با توجه به نیاز کشور به بازسازی با سیاست‌های تعدیل ریل‌گذاری کشور را دچار تغییرات بنیادین کرد تا تصدی‌گری دولت به حداقل برسد و خصوصی‌سازی شرکت‌های دولتی آغاز شود. ظاهراً هاشمی این سیاست را بر مبنای توصیه صندوق بین‌المللی پول در دستور کار قرار داده بود و هدفش تحقق عدالت اجتماعی از طریق تولید ثروت بود. اما این کار فشار بی‌امانی به مردم در حوزه اقتصاد و معیشت وارد کرد. به تبع آن سیاست‌های تعدیل مخالفان سرسختی هم پیدا کرد. منتقدان چپ هاشمی که عموماً مجمع روحانیت مبارز و سازمان مجاهدین انقلاب و دفتر تحکیم وحدت بودند و البته اقتصاددانان مرتبط با آنان می‌گفتند، هاشمی درحال گرت‌برداری از سیاست‌های غربی و پیاده کردن آنها در کشور اسلامی ایران است. اما هیچ‌کس نمی‌گفت که هاشمی ناچار به اجرای تعدیل است. سیاست‌های تعدیل ۲۰ سال بعد ابتدا در دولت حسن روحانی سپس در دولت رئیسی با عنوان جراحی اقتصادی آغاز شد. هم حسن روحانی ناچار به جراحی اقتصادی بود و هم رئیسی در اولین سال تشکیل دولت خود مجبور به اجرای آن بود. درآمدهای دولت روحانی به واسطه تحريم‌های همه‌جانبه آمریکای پس از ترامپ بسیار کاهش پیدا کرده بود. پس روحانی در سال ۹۸ به این نتیجه رسید که باید بنزین را تا ۲۰ درصد گران کند. بدین‌ترتیب بنزین دوباره سهمیه‌ای شد و قیمت هر لیتر آن ۱۵۰۰ تومان تعیین شد. نرخ هر لیتر بنزین آزاد نیز از ۱۰۰۰ به ۳۰۰۰ تومان افزایش یافت. روحانی دلیل این

سازندگی: روزنامه سیاسی و اجتماعی • صاحب امتیاز: حزب کارگزاران سازندگی ایران • مدیرمسئول: سیدفاضل موسوی • سردبیر: اکبر منتجبی
زیرنظر شورای سیاست‌گذاری: سیدحسین مرعشی (رئیس)، محمد عطر یانفر، محمد قوچانی، علی هاشمی، سیدعلیرضا سیاسی‌زاده، امیراقتاعی

مدیریه‌ری: رضا دولت‌زاده • عکس: رضا معطریان • ویراستار: سعیده آری‌ن‌فر • حروف‌چین: مجتبی دیگر • شانی: تهران، پاسداران، نگارستان پنجم، پلاک ۸، تلفن: ۲۲۸۴۱۲۶۲ • چاپ: امید نشر ایرانیان: ۹-۸۸۵۳۷۱۶۸ • توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰۰

کارنامه: خاطرات هاشمی ۱۳۸۰



افراط در اختلاف ۲۲

ادامه پنج‌شنبه ۲۳ فروردین
تظاهرات ده‌ها هزار نفری در ترکیه
در ترکیه، پس از انتخابات و تظاهرات ده‌ها هزار نفری دیروز کسبه علیه دولت، تا یک ماه دیگر تظاهرات در آنکارا ممنوع شد. دولت [بولنت] اجویت، نخست‌وزیر ترکیه تحت فشار است. دادگاه بین‌المللی جنایتکاران جنگی برای تحویل گرفتن [اسلوبودان] میلوشویچ که اکنون تحت بازداشت در بیمارستان بستری است، فشار می‌آورد. در آفریقای جنوبی در جریان یک مسابقه فوتبال در اثر ازدحام مردم بیش از ۵۰ نفر کشته و ۱۵۰ نفر مجروح شده‌اند؛ این‌گونه حوادث در مسابقات فوتبال که پُرطرفدار است، زیاد اتفاق می‌افتد.

جمعه ۲۴ فروردین
کم شدن خدمت‌رسانی به بیماران

برای اقامه نماز جمعه به دانشگاه تهران رفت. خطبه‌ای در مورد مکارم اخلاق و غرایز انسان ایراد کردم. در خطبه دوم از اقتدار ملی و ایجاد اشتغال و روز ارتش و بنیاد مسکن و مسایل فلسطین صحبت کردم. ظهر بجهه‌ها جمع بودند و عصر بستگان آمدند. آقای محسن هاشمیان، [مدیرعامل شرکت تعاونی صادرکنندگان پسته رفسنجان،] گزارشی از مشکلات و راهکارهای حل مشکلات تعاونی پسته آورد و گفت، تعاونی در حال حاضر برای هر کیلو پسته ۵۰۰ تومان ضرر می‌دهد و از مدیرتها که امور کشور را به رکود کشیده‌اند، انتقاد داشت و گفت، اگر آینده به همین وضع بگذرد، مشکل جدی برای انقلاب پیش خواهد آمد.

شب دکتر معتمدی، رئیس دانشکده علوم دریایی دانشگاه آزاد اسلامی با همسرش آمد که او هم استاد دانشگاه است و هر دو بازنشسته شده‌اند. آقای سیدحسین مرعشی، [برادر همسر،] سردفتر ثبت اسناد رسمی شماره ۳۳۷ تهران از طرف سردفتران از تصمیم قوه قضاییه برای پرداخت هزینه دفترها به بانک‌ها و جلوگیری از رد و بدل پول در دفترخانه شکایت داشت که عملاً مانع از دریافت هزینه اضافی می‌شود. آقای دکتر سعید لاوه‌ئی، [همسر فاطمی] گفت، وضع نقدینگی بیمارستان‌ها بد است و باعث کم شدن خدمت‌رسانی به بیماران است.

آمریکا و چین پس از بیرون رفتن سرنشینان هواپیمای آمریکا از چین به حملات لفظی پرداخته‌اند. آمریکا می‌گوید، چین باید جوابگوی معطل کردن ۱۱ روزه سرنشینان باشد و هواپیمای که هنوز در چین است و می‌گوید به پرواز تجسسی در نزدیکی مرزهای چین ادامه خواهد داد. چین می‌گوید، تخلف و تجاوز آمریکا هنوز مسأله‌اش تمام نشده و آمریکا باید جوابگو باشد.

در اکثر خطبه‌های جمعه امروز، ائمه جمعه از بازداشت ملی‌گراها به اتهام براندازی حمایت کرده‌اند و به مجلس و رئیس‌جمهور و گروه‌هایی که از دادگاه انقلاب انتقاد کرده‌اند، اعتراض دارند و مشاجره‌ها وسیع شده است.

شنبه ۲۵ فروردین
صحبت محسن رضایی درباره نامزد شدنش

پیش از ظهر در کمیسیون زیرنمایشی [مجمع تشخیص مصلحت نظام]، چند بند دیگر از سیاست‌های کلی شهرسازی را تصویب کردیم. آقای محسن رضایی، [دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام] آمد و در مورد نامزد شدنش [در انتخابات ریاست‌جمهوری] صحبت کرد و گفت، در صورت نامزد شدن آقای [سیدمحمد] خاتمی، مشکل خواهد داشت. احساس کرده که آقای خاتمی، قصد ورود به رقابت‌ها را دارد.

افزایش را تقسیم درآمد حاصله بین ۶۰ میلیون ایرانی عنوان کرد و گفت: «ریالی از این پول به خزانه نخواهد رفت». اما سخن او بی‌فایده بود. ناگهان با افزایش قیمت‌ها روبه‌رو شدیم. سه سال بعد نیز ابراهیم رئیسی مجبور شد، قیمت چهار کالای اساسی را افزایش بدهد. رئیسی با اینکه با شعارهای بزرگی چون مهار تورم، افزایش یارانه‌ها، گره زدن سفره مردم به تحریم‌ها، افزایش تولید خودرو، کاهش قیمت خودرو، ساخت سالانه یک میلیون واحد مسکونی، حل بحران بورس و ... رئیس‌جمهور شده بود اما در عمل دید ناچار است در اولین سال دولت خود به آزادسازی برخی از کالاها روی بیاورد. او نیز دچار کسری بودجه بود و نمی‌توانست صرفاً با تقدینگی کشور را اداره کند. با آزادسازی قیمت‌ها، ارز ترجیحی ۴۲۰۰ تومانی نیز حذف شد. به همین دلیل ناگهان قیمت‌ها به صورت فوری افزایش یافت و دولت را در تنگنای اعتراضات اجتماعی قرار داد.

اعتراضات اجتماعی

یکی دیگر از مشابهت‌های دو انتخابات ریاست‌جمهوری امسال و سال ۷۶ اعتراضات اجتماعی قبل از آن بود. این اعتراضات ریشه اقتصادی داشت. اجرای سیاست‌های تعدیل و نیز جراحی بزرگ اقتصادی هر دو باعث اعتراضاتی چه در دهه ۷۰ و چه در سال‌های گذشته شد که نتیجه این اعتراضات و خشم مردم کمک کرد که فضای امنیتی حاکم شود و با معترضان برخورد شود. در ۱۴۰۱ داستان از مرگ مهسا امینی آغاز شد. در آبان ۹۸ با افزایش قیمت بنزین. در دی ماه ۹۶ با محوریت نه به گرانی بود. نقطه مشترک تمام این اعتراضات مانند اعتراضاتی که در دهه ۷۰ رخ می‌داد، این بود که همگی شورش‌ها کور و بدون رهبر بودند. اگرچه براندازان تلاش کردند بر این اعتراضات سوار شوند و ماهی خود را صید کنند اما ناکام ماندند. شورش ۱۳۷۴ در اسلامشهر را دومین شورش بزرگ پس از انقلاب ارزیابی و نامگذاری کردند. اعتراض مردم به یک دلیل ساده آغاز شد. آنها از افزایش کرایه‌ها ناراضی بودند. بعد اعتراض به فقر و کمبود آب نیز به آن افزوده شد. نتیجه آن شورش و اعتراض تخریب بانک‌ها، اماکن دولتی و مغازه‌ها و تصرف پاسگاه پلیس بود.

از مرضی رفیق‌دوست تا ساداتی‌نژاد

فسادهای بزرگ، یکی دیگر از این شباهت‌هاست. در دهه ۱۷۰۰ اختلاس ۱۲۳ میلیاردی رخ داد و پای محسن رفیق‌دوست که یکی از مقامات مهم محافظه‌کاران و راست سنتی بود را به آن باز کرد. زیرا برسرادرش یکی از متهمان بزرگ این پرونده بود. محسن رفیق‌دوست، رئیس وقت بنیاد مستضعفان بود که در دوره خود بزرگ‌ترین کنترل اقتصادی ایران بود. خود نیز از اعضای شورای مرکزی و بزرگان حزب موفقه بود که در آن دوران یکی از مهم‌ترین احزاب وقت بود. در دهه ۹۰ این بزرگ‌ترین اختلاس ایران خوانده شد. دقیقاً مثل فساد جای دیش که بزرگ‌ترین اختلاس تاریخ ایران نام گرفت و پای دو تن از مقامات دولت رئیسی به آن گره خورده بود. سیدجواد ساداتی‌نژاد، وزیر کشاورزی و سیدرضا ظاهری‌امین، وزیر وقت صنعت دو وزیر بودند که قوه قضائیه اعلام کرد یکی از آنها محکوم شده است و دیگری پرونده‌اش درحال بررسی است. در آن دوره نیز مجلس پنجم چندان روی خوشی به اختلاس ۱۲۳ میلیاردی نشان نداد، چنانکه مجلس قالیباف نیز از کنار اختلاس جای دیش با سکوت گذشت. اما هر دو اختلاس شکاف بزرگی را در میان اصولگرایان دیروز و امروز پدید آورد.

رؤسای مجلس کاندیدای ریاست جمهوری می‌شوند

با نزدیک شدن به انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۷۶ ناطق‌نوری رئیس وقت مجلس، کاندیدای انتخابات ریاست‌جمهوری شد. او دومین رئیس مجلسی بود که کاندیدای انتخابات ریاست‌جمهوری می‌شد. پیش از او اکبر هاشمی‌رفسنجانی، پس از رحلت امام و رهبری آیت‌الله خامن‌ای ناگزیر شد که از مجلس به ریاست‌جمهوری برود اما ناطق این اجبار را نداشت. او خود می‌خواست که دولت جدیدی تشکیل دهد که هم رگه‌هایی از دولت هاشمی را داشته باشد و هم همچنان راست سنتی اریکه دولت را از دست ندهد باشد. همین اتفاق نیز برای محمداقرب قالیباف افتاد. قالیباف اگرچه چندین بار دیگر شانس خود را برای ریاست‌جمهوری آزموده بود و هر بار نیز ناموفق شده بود، یک بار از نیروی انتظامی کاندیدای انتخابات ریاست‌جمهوری شد، دو بار نیز از شهرداری تهران به این سو حرکت کرد. در سال‌های ۸۴ و ۹۲ شکست خورد. در سال ۹۶ به نفع رئیسی کناره‌گیری کرد و حالا در سال ۱۴۰۳ از مقام ریاست مجلس می‌خواهد به کاخ ریاست‌جمهوری برسد. اکنون باید دید در چهارمین تجربه خود موفق می‌شود یا نه.

شاید لازم به یادآوری است که ناطق‌نوری در سال ۷۶ شکست سختی از رفیق‌دوست سیدمحمد خاتمی خورد اما او تنها رئیس مجلسی نبود که سودای ریاست‌جمهوری داشت. بعد از او مهدی کروبی نیز این بخت را آزمود و از سد شورای نگهبان گذشت اما موفق نشد، آرای اکثریت مردم را جذب کند. چنانکه علی لاریجانی، رئیس مجلس نهم و دهم نیز دو بار بخت خود را آزمود تا در رقابت‌های انتخاباتی ریاست‌جمهوری شرکت کند اما هر دو بار نتوانست از سد شورای نگهبان بگذرد. بدین‌ترتیب شاید بتوان گفت رؤسای مجلس، ناکامان بزرگ انتخابات

ریاست‌جمهوری بودند. همچنان که شهرداران تهران نیز با آنکه به عنوان گزینه‌های ریاست‌جمهوری از آنها نام برده می‌شد، سرنوشت مغمومی یافتند.

ارزش‌ها و دی

اما این فقط رؤسای مجلس نبودند که سودای ریاست‌جمهوری داشتند. در دهه ۷۰ محمدمحمدی ری‌شهری با تأسیس یک حزب شبه‌امنیتی به نام جمعیت دفاع از ارزش‌ها وارد کارزار سیاست و انتخابات ریاست‌جمهوری شد. روح‌الله حسینیان، قائم‌مقام دبیرکل این حزب سیاسی بود. حزب پایداری شبیه حزب جمعیت دفاع از ارزش‌ها بود. هر دو حزب، روش‌های امنیتی داشتند و معتقد به خالص‌سازی بودند و هر دو حزب از راست سنتی فاصله عمیق گرفتند. رسانه جمعیت دفاع از ارزش‌ها، هفته‌نامه ارزش‌ها به مدیریتستولی محمدی ری‌شهری و سردبیری احمد پورنجانی بود که دیدگاه‌های این حزب را منتشر می‌کرد. پایداری نیز اگرچه رسانه رسمی ندارد اما هفته‌نامه ۹ دی متعلق به حمید رسایی، ارگان غیرمستقیم آن است. هر دو هفته‌نامه به رئیس مجلس آن روز و امروز انتقاد می‌کردند و می‌کنند. در هفته‌نامه «ارزش‌ها» از کاندیداتوری ری‌شهری حمایت می‌شد و ناطق‌نوری که رئیس مجلس بود و کاندیدای انتخابات ریاست‌جمهوری از سوی این هفته‌نامه تخریب می‌شد. هفته‌نامه ۹ دی نیز از سعید جلیلی که کاندیدای پایداری است، حمایت می‌کند و به قالیباف خرده می‌گیرد که چرا کاندیدای انتخابات ریاست‌جمهوری شده است.

دو سید تنها

انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۷۶ جدا از ناطق‌نوری و ری‌شهری، دو کاندیدای دیگر هم داشت. اول سیدمحمد خاتمی بود و دیگری سیدرضا زواره‌ای که خود عضو شورای نگهبان بود. و نبود او در آن انتخابات چندان محلی از اعراب نداشت. معلوم نبود که کدام جریان از او حمایت می‌کند. کاندیدای منفردی بود که اگرچه حقوقدان شورای نگهبان بود و با رفقایش در راست سنتی نشست و برخاست داشت اما هیچ یک از آنها در انتخابات از او حمایت نکردند. او ۲۷ سال در قامت قاضی‌زاده‌هاشمی نمایان شد. سیدامیرحسین قاضی‌زاده‌هاشمی نیز اگرچه عضوی از کابینه دولت سیدابراهیم رئیسی بود اما ۱۶ نفر از اعضای این دولت در نامه‌ای به شورای نگهبان از محمدمهدی اسماعیلی، وزیر فعلی ارشاد در انتخابات حمایت کردند. در دولت رئیسی البته کاندیداهای دیگری نیز برای به دست گرفتن دولت آتی صف کشیدند اما هیچ‌کس چه در میان اصولگرایان و چه در دولت از قاضی‌زاده‌هاشمی حمایت نکرد. سیدرضا زواره‌ای نیز حامی چندان پر قدرتی نداشت.

راه‌گشایی دوم خرداد ۷۶

دوم خرداد ۷۶ حاصل قیام چپ‌ها علیه راست‌ها بود. اقلیت بر اکثریت پیروز شد. روزنه‌گشایی کارگزاران سازندگی در مجلس پنجم به راه‌گشایی در دوم خرداد تبدیل شد. سیدمحمد خاتمی که چندان چهره شناخته‌شده‌ای نبود به واسطه پاک‌دستی، سیادت و صدایی جدید که میلی به وضع موجود ندارد با استقبال چشمگیر مردم روبه‌رو شد. هیچ یک از نظرسنجی‌ها پیش‌بینی نمی‌کرد او پیروز انتخابات شود. هیچ‌یک از سیاسیون استخوان‌خردکننده باور نمی‌کردند، مردم به فردی ناشناخته که تنها تصدی یک وزارتخانه را عهده‌دار بود، رای بدهند. اما هر چه به روز انتخابات نزدیک‌تر شدیم، استقبال از خاتمی نیز افزایش یافت. او از سوی رقیبانش متهم بود که برنامه ندارد، توان اداره دولت را ندارد، دیدگاه‌های مخالف استراتژی کشور است اما او خودش بود؛ با یک صداقت مثال‌زدنی. او وقتی برای مردم از ستاره‌های آسمان کویر سخن می‌گفت، دل‌ها را می‌ریود. از عدالت سخن می‌گفت و از حق مردم که در تمام این سال‌ها زائل شده است، حقی که ناحق شده است. رانته که نصیب افراد خاص شده و مردم بینوا سرشان کلاه رفته است. سخنان او آرام‌آرام موج آفرید. با آنکه رسانه چندان جزو برنامه سلام نداشت.

مسعود پزشکیان نیز همچون او پاک‌دست و صادق است. مانند لوحی سفید که آلودگی ندارد. عجیب این بود که این دو، خاتمی و پزشکیان در یک دولت به هم رسیدند و وزارت بهداشتی که پزشکیان تصدی آن را بر عهده داشت، تنها زرومه او در مدیریت اجرایی بود. همچون خاتمی که وزارت ارشاد بود. پزشکیان نیز ابتدا قصد کاندیداتوری نداشت. چنانکه خاتمی نیز پیشنهادهای اولیه را رد کرده و گفته بود، بروید سراغ دیگری. منتقدان پزشکیان نیز به او خرده گرفته‌اند که توان اداره کشور را ندارد و برنامه‌ای برای آینده آن ندارد. او نیز معتقد به عدالت است. معتقد به حق و در دیداری که با روزنامه‌نگاران داشت، یادآوری کرد ریشه تمام مشکلات در ۴۰ سال گذشته این است که حق را به حقدار ندادند و از او سلب کردند. بی‌عدالتی را گسترش دادند و بر اعمال خود پوشش گذاشتند. پزشکیان نیز همچون خاتمی برای جامعه بزرگ ایرانی ناشناخته بود اما بعد از آنکه اسمش به عنوان یکی از نامزدهای اصلی اعلام شد، شور و شوقی درگرفت. تحریمی‌ها دچار تردید شدند. چپ‌ها به او روی خوش نشان دادند. نظرسنجی‌ها سیر صعودی گرفتند. با خاتمی روزنه‌گشایی به راه‌گشایی تبدیل شد؛ باید دید با پزشکیان نیز این اتفاق می‌افتد و راهی جدید در سرنوشت کشور آغاز می‌شود؟ دور از ذهن نیست. تا خدا چه خواهد و مردم چه تدبیر کنند.